



تجربه در بحران

مجموعه تجربیات
فعالیت گروه‌های جهانی
در بنایای طبیعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام اثر: تجربه در بحران

مجموعه تجربیات فعالیت گروه‌های جهادی در بلایای طبیعی

پدیدآورنده: کالک؛ سامانه جامع مدیریت تشکلهای دانشجویی
به سفارش: معاونت عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی

طراح و صفحه آرا: مصطفی میرزایی نژاد

بهمن‌ماه ۱۳۹۸

آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع خیابان شهید مفتح،

مجتمع فرهنگی - دانشجویی ۱۳ آبان، سامانه کالک





تجربه در بحران

فهرست:

۷	مدیریت ستاد مدیریت بحران
۱۳	تجربه نقش آفرینی خواهران در بحران
۱۹	تجربه توزیع کمک‌ها
۲۵	تجربه هماهنگی میدانی
۲۹	هم‌خیریه هم‌جهادی
۳۹	پژوهش و شناسایی مقدمه عمل جهادی
۴۳	تجربه تعامل در بحران
۵۵	مهم‌اما مغفول
۶۹	تجربه درمان در بحران
۷۵	تجربه ثبت تجربه و مدیریت دانش
۸۱	نقش گروه‌های پزشکی در بحران
۸۹	استمرار و هدف، شرط بقا
۹۹	عاطفه در بحران!

مدیریت ستاد مدیریت بحران

«مدیریت کلان گروه‌های جهادی حاضر در منطقه و برنامه‌ریزی برای حضور آن‌ها و تقسیم کار اصل مهمی در فرآیند خروج از بحران است. سعی کرده ایم درباره آن چه که گروه‌های جهادی پیرامون مباحث ستادی حوادث در حین و بعد از حادثه است باید بدانند، گفتگویی داشته باشیم با آقای مفرد معاون محترم عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی تا به بیان نقطه نظرات و نکات کارشناسی خود در این حوزه بپردازند.»

یک مطلب مهم خدمتتان عرض کنم چون کشور ما یک کشور انقلابی و مردمی هست و بر پایه مردم شکل گرفته از همان اول در حوادثی که رخ می‌دهد مردم در منطقه خوب حضور پیدا می‌کنند. ولی یک مشکل اساسی که وجود دارد این است که نظارت و سیستم نظم‌دهی ضعیف است. سازمان‌های متولی مثل ستاد بحران و نهادهای غیره این ظرفیت مردمی را نمی‌بینند و برای آن نقشی تعریف نمی‌کنند. مسأله اصلی ما موقع بروز حادثه این است که حاکمیت باید میدان‌دار باشد و خودش بگوید که مردم در کدام بخش‌ها فعالیت کنند. اگر این اتفاق در سطح کلان جامعه رخ دهد می‌توان شاهد نتایج مثبتی در مقوله امدادرسانی در حوادث باشیم.

معمولا وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، ما بلافاصله با دفاتر خودمان که بسیج سازندگی و یا بسیج دانشجویی آن استان است تماس برقرار می‌کنیم، سپس از نیروهای بومی همان منطقه استعلام

می گیریم که حجم خسارات به چه صورت است، اگر خرابی‌ها محدود باشند که با کمک نیروهای همان استان شروع به کار می کنیم و اگر شدت حادثه زیاد باشد، اول از نیروهای استان‌های اطراف منطقه حادثه دیده و سپس از نیروهایی که از کل کشور به سوی منطقه می آیند استفاده می کنیم. اگر حادثه در چند استان رخ دهد و یا پیش‌بینی شود که می‌خواهد رخ دهد مثل سیلی که در بهار امسال آمد، ظرفیت گروه‌های جهادی را متناسب با حجم حادثه تقسیم‌بندی می کنیم.

معمولاً گروه‌های جهادی و مردمی خودجوش هستند، و امر و نهی اداری لازم نیست، ولی طبق تجربه اینطور هم نیست که کار با بی‌نظمی پیش رود، یعنی حرف شنوی وجود دارد. در زمان رخ دادن حوادث چند نکته است که باید به آن توجه کنیم.

نکته اول این است که گاهی قبل حادثه تقسیم وظیفه وجود ندارد مثل سیلی که در ورزقان داد. الان اولین کار ستاد این است که اطلاعات دقیق‌تر را به مردم منتقل و نظم را ایجاد کند. طوری باید باشد که مسئول مربوطه از همان لحظات اول خود را به منطقه برساند و واقف بر کارهایی که انجام می‌شود باشد، و با تقسیم‌بندی درست هم به روند رسیدگی به حادثه سرعت ببخشد و هم توان نیروهای جهادی را درست صرف کند و همینطور با ایجاد هماهنگی بین دیگر دستگاه‌های اجرایی، با توجه به حجم حادثه اعزام نیروهای جهادگر را تقسیم‌بندی کند تا هر گروه به وقت و زمان خودش در منطقه حضور یابد.

نکته دوم، باید به میزان تخریب و نوع تخریب توجه کرد. یعنی بسته به نوع خسارت، نوع گروه‌های جهادی که به منطقه باید اعزام شوند متفاوت است. مثلاً جایی که دام زیاد باشد، گروه‌های دامپزشکی باید حضورشان در اولویت قرار گیرد، یا اگر میزان مصدومین زیاد است تیم‌های پزشکی باید حضور پیدا کنند. در یکی دو روز اول جنس کارها امدادی است، تا به لحاظ امدادی کمک‌ها جمع و به تلفات و مصدومین رسیدگی و مسیرهای مسدود باز شوند.

نکته سوم، برنامه‌ریزی برای اسکان موقت اضطراری (معمولاً با چادر) است. کمک‌های مردمی هم در این مرحله بیشتر در حوزه تغذیه است. فراخور با فصلی که حادثه در آن رخ می‌دهد کمک‌ها هم مختلف است. مثلاً در زمستان وسایل گرمایشی نیاز است و در تابستان وسایلی سرمایشی مثل کولر مورد نیاز است.

نکته چهارم، تحویل کانکس است. این مرحله برای مناطق با حجم خسارت بالاست که امیدی نمی‌رود که ظرف یک سال آینده خانه‌ها درست شوند.

نکته پنجم، عموم گروه‌های جهادی باید به صورت برنامه‌ریزی شده، منطقه‌بندی، برآورد دقیق و منابع مشخص وارد منطقه بشوند. ما توصیه می‌کنیم که در دقایق اول حادثه، اول گروه‌های امدادی و آموزش دیده وارد منطقه شوند و سپس گروه‌های بومی و اهالی همان جا به کمک‌رسانی بپردازند، سپس در بخش دوم از کمک گروه‌های جهادی

ما توصیه می‌کنیم که در دقایق اول حادثه، اول گروه‌های امدادی و آموزش دیده وارد منطقه شوند و سپس گروه‌های بومی و اهالی همان جا به کمک‌رسانی بپردازند، سپس در بخش دوم از کمک گروه‌های جهادی دیگر استان‌ها استفاده کنند.

دیگر استان‌ها استفاده کنند.

نکته آخر هم این است که ما در زمان وقوع حادثه، از استان‌های همجوار آن شهر درخواست کمک می‌کنیم به عبارتی یک یا چند شهر را استان‌های معین منطقه حادثه دیده قرار می‌دهیم. طبق این تقسیم‌بندی، کارها بین استان‌های مختلف پخش می‌شود و به روند رسیدگی به مناطق حادثه دیده سرعت می‌بخشد. ما در مواقع بحران، از استان حادثه دیده انتظار عملیات نداریم و عموماً کارهای هماهنگی بین استان‌ها و دستگاه‌های دیگر را برعهده دارد.

بسیج سازندگی همان استان در یک مکان مشخص قرارگاهی تشکیل می‌دهد تا تمام هماهنگی‌ها و تعاملاتی می‌خواهد انجام شود در اینجا مطرح شود. ما در تمام روستاها و مناطقی که دسترسی به آن سخت و از قرارگاه مرکزی فاصله دارد، از طریق نیروهایی که در پایگاه‌های بسیج آن مناطق داریم اطلاعات می‌گیریم و به کمک‌رسانی آن مناطق می‌پردازیم.

در بحث ایجاد قرارگاه در منطقه حادثه دیده با دو مشکل مواجه هستیم: یکی اینکه یک محل اسکان مناسب برای ایجاد قرارگاه باید وجود داشته باشد. یعنی در یک جای مسقف و خوب این کار شکل بگیرد و اعزام تمام نیروهایی که از همه استان‌ها می‌خواهند در منطقه حضور پیدا کنند با مجوز این قرارگاه باشد.

مشکل بعدی عدم وجود یک انبار مناسب جهت

دپو کردن اجناس و کمک‌هایی که مردم و سازمان‌ها ارسال می‌کنند. وجود انبار سبب می‌شود هم جلوی اسراف گرفته شود و هم با تزریق مناسب کالاها در بین مردم به طور مساوی به همه وسایل مورد نیاز برسد. همین‌طور وجود این انبار مرکزی موجب می‌شود مردمی که با کامیون و وسایل شخصی کمک‌ها را به منطقه می‌آورند، سردرگم نشوند و با خیال راحت اقلام را تحویل انبار مرکزی دهند.

در مورد نحوه مدیریت گروه‌ها، خب بعضی گروه‌ها گوش به فرمان استان اعزام کننده هستند و هروقت که دستور بیاید آمادگی اعزام دارند، بعضی‌ها گوش به فرمان استان نیستند ولی گوش به فرمان کشور هستند یعنی با موج رسانه‌ای که در شبکه‌های مجازی ایجاد می‌کنیم از دور هدایتشان می‌کنیم که چه کار کنند و به کجا روند، به ندرت گروه‌هایی هستند که سرخود عمل می‌کنند و وارد منطقه می‌شوند و به جایی می‌روند و چادر می‌زنند چند روزی هستند و برمی‌گردند.

یک مسأله که بخواهم خدمتتان عرض کنم، این است که بعد از آرام شدن محل حادثه، به حضور خانم‌ها بسیار نیاز است. خانم‌ها به خاطره آن لطافت و نگاه عاطفی که دارند نقش پررنگی در آرام کردن زنان و کودکان منطقه دارند. خب کودکی که خانواده‌اش را از دست داده و یا زنان و دخترانی که زندگی‌شان را از دست دادند نیاز دارند که فردی بیاید و به اینها دل گرمی و امید دهد.

مورد آخر که باید به آن اشاره کرد، استفاده از

یک مسأله که بخواهم خدمتتان عرض کنم، این است که بعد از آرام شدن محل حادثه، به حضور خانم‌ها بسیار نیاز است

ظرفیت مواکبی است که در اربعین فعالیت دارند. گروه جهادی جنسش عملکرد سریع در موضوعات فرهنگی و امدادی است. ولی اگر پخش غذا و توزیع پتو و غیره را بتوان از ظرفیت موکب‌ها استفاده کرد روند سرعت دهی گروه‌های جهادی بیشتر می‌شود.

کلیات را تا حد توان خدمتتان عرض کردم، ان شاء الله مورد استفاده بزرگواران قرار گیرد.

استفاده از ظرفیت مواکبی است که در اربعین فعالیت دارند. گروه جهادی جنسش عملکرد سریع در موضوعات فرهنگی و امدادی است. ولی اگر پخش غذا و توزیع پتو و... را بتوان از ظرفیت موکب‌ها استفاده کرد روند سرعت دهی گروه‌های جهادی بیشتر می‌شود.

تجربه نقش آفرینی خواهران در بحران

«بحث نقش آفرینی خواهران و نحوه ورود آنها در عرصه جهادی خصوصا در بحران هایی مانند سیل و زلزله مسئله حساس و مهمی است. در این باره سعی کردیم از تجربه سرکار خانم کریمی یکی از مسئولین گروه های جهادی خواهران استان تهران در این حوزه استفاده کنیم.»

در تاریخ ۲۱ آبان سال ۱۳۹۷ که در منطقه سرپل ذهاب زلزله آمد، بنده بلافاصله طبق فراخوان اعزام نیرو برای بحث معلمی که از طرف بسیج دانشجویی اعلام شد ثبت نام کردم. **خب در روزهای اول حادثه مسئولین می گفتند که هنوز شرایط حضور خانم ها برای کارهای فرهنگی مناسب نیست، ولی با گذشت چند روز این اتفاق افتاد و بنده به منطقه حادثه دیده اعزام شدم. در روزهای اولی که می رفتم حضور خانم ها بسیار کم رنگ بود و به نحوی بنده تنها خانم جهادی در زمینه فرهنگی در منطقه بودم، ولی به مرور زمان این اتفاق افتاد و با تبلیغاتی که انجام شد تعدادی خانم دیگر به منطقه آمدند.**

خواهران دانشجویی که برای امر جهادی می خواهند فعالیت کنند، حتما این موضوع را در نظر بگیرند که با هماهنگی کامل مسئولین به منطقه اعزام شوند و همینطور طبق تجربه های گذشته، در ساعات و روزهای اولیه حادثه حضور بانوان در منطقه ضرورتی ندارد.

حالت کلی کار به این شیوه بود که ما در شهر سرپل ذهاب در یک چادر بزرگ حضور داشتیم که قرارگاه مان بود، و دوسه نفر از خانم ها هم در روستاهای اطراف در مدرسی که وجود داشت با کمک آقایان به کارهای فرهنگی می پرداختند. در اوایل کار به دلیل شوکی که به کودکان و نوجوانان

وارد شده بود، بچه‌ها را گروه‌بندی نکردیم و بیشتر بازی‌هایی انجام می‌دادیم که حالت سرگرمی، آموزشی و شادی داشت، مثلاً در کنار نقاشی که می‌کشیدند یک سری اعداد و ارقام ریاضی را هم در کنارش می‌گذاشتیم، یا با وسایل و بازی‌های فکری آن‌ها را مشغول می‌کردیم، یعنی هرکاری که در مهدها و پیش‌دبستانی‌های تهران انجام می‌شد را ما در منطقه حادثه دیده اجرا کردیم. ولی بعد از چند روز که بچه‌ها مقداری از حالت بهت خارج شدند طبق رده‌سنی که داشتند آن‌ها را گروه‌بندی کردیم.

یکی از مشکلات اساسی ما در ابتدای زلزله این بود که هر ارگان و سازمانی که وارد منطقه می‌شد بلافاصله به همه بچه‌های آنجا جایزه و اسباب‌بازی می‌دادند و دلیلشان هم این بود چون در شهر زلزله آمده باید به همه بچه‌ها ترحم کرد و جایزه داد. این موضوع اخلاق بچه‌ها را تغییر داده بود و بعد هر گروهی که برای کار فرهنگی وارد می‌شد، بچه‌ها از آن‌ها جایزه می‌خواستند.

پس از وقوع حوادث، موضوع انجام عملیات فرهنگی ملاحظات خاص خود را دارد. مسائلی چون توجه به شکه بودن اهالی، بالا بردن توقع مردم به خصوص کودکان،

ما در ادامه کارمان اصلاً این اشتباه را انجام ندادیم و نحوه جایزه گرفتن را منوط کردیم به آخرین زمانی که آنجا بودیم و بعد جایزه می‌دادیم و یا طبق فعالیت‌های مثبتی که بچه‌ها انجام می‌دادند آن‌ها را تشویق و جایزه می‌دادیم. ما با این کار سعی کردیم آن توقع بی‌موقعی که بین بچه‌های آنجا ایجاد شده بود را از بین ببریم و تا حدودی هم موفق بودیم.

چند روز بعد از حادثه ما گروه‌ها را تقسیم‌بندی کردیم، مثلاً بچه‌های زیر ۶ سال که خردسال بودند

را یک گروه کردیم و فقط برایشان قصه و بازی‌های کودکانه انجام می‌دادیم. سنین بزرگ‌تر را هم گروه‌بندی کردیم و در کنار بازی‌های فکری که انجام می‌دادند بحث آموزش را هم در کنارش قرار دادیم، مثل مرور کردن درس‌هایی که در هر مقطع تحصیلی خوانده‌اند.

نیروهای جهادی که می‌خواهند کار فرهنگی انجام دهند، می‌توانند در کنار بازی و سرگرمی‌ها، به شیوه‌های مختلف موارد درسی و آموزشی و حتی احکام را در این قالب به بچه‌ها آموزش و یادآوری کنند.

ما تا قبل از تعطیلات عید نوروز به صورت محدود (مثلاً چهارشنبه حرکت می‌کردیم و جمعه برمی‌گشتیم) به منطقه رفت و آمد داشتیم، ولی برای عید نوروز طبق فراخوانی که زدند استقبال بیشتر شد و نیروهای جهادی بیشتری در این زمینه به منطقه اعزام شدند.

ما در ایام عید در چهار منطقه پرجمعیت سریل ذهاب پایگاه زدیم. گروه‌هایی هم که آمده بودند بسیار قوی بودند، ما هر روز از آن‌ها گزارش کار می‌گرفتیم که این موضوع در بهتر شدن کیفیت کارها بسیار موثر بود. گروه‌ها هرکدام برنامه‌های مشخصی داشتند و طبق تقسیم‌بندی که شده بود در مناطق خودشان حضور داشتند و بنده هم به عنوان سرپرست در بحث موضوعات فرهنگی مدیریت کارها را انجام می‌دادم. شیوه کاری گروه‌ها هم به این شکل بود که هر گروه چهار روز در منطقه می‌ماند و بعد از رفتن آن‌ها، گروه دیگری جایگزین می‌شد. برنامه‌هایی که گروه‌ها اجرا می‌کردند مثل آموزش قلاب‌بافی، نقاشی، خیاطی و موارد دیگر، یک کار جالبی که به گروه‌هایی که می‌آمدند پیشنهاد دادیم این بود که خب هر گروهی از اقصی نقاط کشور به منطقه می‌آمدند و هرکدام طرز تهیه و پخت

یک کار جالبی که به گروه‌هایی که می‌آمدند پیشنهاد دادیم این بود که خب هر گروهی از اقصی نقاط کشور به منطقه می‌آمدند و هرکدام طرز تهیه و پخت غذاهای محلی آن استان را به دخترها و خانم‌های اهالی منطقه حادثه دیده آموزش می‌دادند که ایده خوبی بود.

غذاهای محلی آن استان را به دخترها و خانم‌های و اهالی منطقه حادثه دیده آموزش می‌دادند که ایده خوبی بود. برگزار می‌شد و در کنار این کارها هم فعالیت‌های آموزشی هم داشتیم، خب چون مدارس مدتی تعطیل و بعد بازگشایی شده بود، ما برای بچه‌های منطقه کلاس‌های تقویتی برگزار کردیم تا از مباحث درسی عقب نمانند.

یکی از معضلات اساسی در مناطقی که حادثه در آن رخ می‌دهد، دورشدن و ترک تحصیل دانش آموزان است. گروه‌ها می‌توانند با برگزاری کلاس‌های تقویتی و مرور مباحث درسی در این زمینه به دانش آموزان کمک‌کنند.

در کل فضای کاری در عید خیلی خوب و بازدهی قابل ملاحظه‌ای داشت. ما در همان ایام عید که مصادف شده بود با ولادت حضرت علی (علیه‌السلام) قصد داشتیم جشن برگزار کنیم، ولی خب به دلیل اینکه در آن منطقه‌ای که بودیم هموطنان اهل سنت هم زندگی می‌کردند ما عنوان جشن را به نام روز پدر نام‌گذاری کردیم و با اجرای برنامه‌های شاد و مسابقات مفرح که یکی را اگر خدمتتان مثال بزنم این بود که ما بین اهالی آنجا گفتیم هر خانواده‌ای به قدر وسع خودش غذا درست کند و بیاورد، سپس نمایشگاه غذا ایجاد کردیم و به خانواده‌هایی که برنده شدند جایزه‌های کاربردی مثل کولر و غیره اهدا کردیم تا با این هدیه بتواند گوشه‌ای از وسایل منزلشان که از بین رفته را جبران بکند. این برنامه در بین اهالی یک شور و شادی زیادی ایجاد کرد و مورد رضایت تمام مردم قرار گرفت.

گروه‌های جهادی که برای فعالیت‌های فرهنگی اعزام می‌شوند، باید با ایجاد ایده‌های خلاقانه، هم به خانواده‌ها روحیه دهند و با اهدای جوایز کاربردی، باری از دوش اهالی آن منطقه بردارند

در مورد مباحث مالی خب اکثر هزینه‌ها را خود گروه‌های جهادی تقبل می‌کردند. مثلاً برای جشن نصف هزینه را سازمان به عهده گرفت و نصف دیگر را گروه جهادی پرداخت کردند، ولی اگر

اینجور مواقع از لحاظ مالی دست گروه‌های جهادی بازتر باشد می‌توانیم بازدهی کارها را بسیار بالاتر از این چیزی که هست بکنیم.

در مورد انتخاب مکان استقرار هم خب اگر یک مدرسه به ما می‌دادند خیلی بهتر بود و کارها بهتر انجام می‌شد. مثلاً در آن سوله بزرگ که به ما داده بودند فقط یک چهارم آنجا موکت بود و بقیه جاهایش چیزی نداشت که این یک مشکل بود، یا به دلیل اینکه فضای زیادی داشت وقتی چندتا کلاس به طور همزمان تشکیل می‌شد بسیار سر و صدا و همه‌همه ایجاد می‌شد و غیره

در آخر عرض کنم که، ما از عید نوروز دیگر هیچ اعزام و برنامه‌ای در سریل ذهاب نداشتیم و اعزام‌ها از طرف سازمان قطع شد. در صورتی که ما و گروه‌های دیگر تمایل داشتیم که حتی یک پایگاه ثابت در منطقه بزنیم و به صورت نوبتی به آنجا برویم که تا الان این اتفاق نیوفتاده و از مسئولین محترم تقاضا دارم که تدبیری برای این موضوع اتخاذ کنند.

تجربه توزیع کمک‌ها

شاید به نظر برسد توزیع کمک‌ها و اقلام در بین سیل زدگان و زلزله زدگان کاری است که نیازمند برنامه ریزی و هماهنگی‌های خاصی نباشد. اما کسانی که تجربه این کار را دارند خلاف این را می‌گویند. تقسیم منطقه، نظارت، کرامت انسانی، نیازسنجی و هماهنگی با مسئولین امر و معتمدین از جمله مواردی است که سعی کرده ایم در گفتگوی با آقای مددی که از مسئولین گروه‌های جهادی استان آذربایجان شرقی و افراد باتجربه و صاحب نظر این حوزه است به بحث بگذاریم.

از ایشان خواشمندیم نقطه نظرات خود را در این باره بیان کنند و تجربیات خود را در اختیار ما بگذارند.

در اولین ساعات حادثه در استان گلستان، فرمانده سپاه استان ما در آذربایجان شرقی به منطقه رفتند و اوضاع آنجا را به اطلاع ما رساندند. سپس ما به همراه گروه‌مان به سمت منطقه رفتیم و یک قرارگاهی برای خودمان برقرار کردیم.

نقشه شهرستان آق‌قلا را از سپاه استان گرفته و شروع به بلوک‌بندی کردیم و شهر به ۱۰ قسمت تقسیم شد. سپس از معتمدین هر بلوک درخواست کردیم که برای کمک در بحث شناسایی به ما یاری دهند. چون معتمد به محل خودش اشراف و شناخت کاملی از اهالی آنجا دارد و این بحث باعث راحت شدن کار ما در زمان پخش اقلام می‌شد و همین‌طور اطلاعات و توضیحاتی از اهالی و شرایط

در حوادثی که رخ می‌دهد، استفاده از معتمدین محلی به دلیل شناخت خوبی که از محل خود دارند بسیار کارآمد می‌باشد. ضمناً تجربه خوبی که این بزرگواران انجام داده‌اند، بلوک‌بندی منطقه جهت شناسایی دقیق بوده است.

منطقه دریافت کردیم.

ما در هر گروه یک معتمد که ترجیحا از فرمانده پایگاه‌های بسیج هر مرحله باشد بهتر است، قرار دادیم تا با کمک نیروهای ما به پخش وسایل بپردازند. برای این کار دو دلیل داشتیم: یکی اینکه اکثر خانواده‌ها را می‌شناختند و از نیازهای آن‌ها با خبر بودند، مورد بعدی به این دلیل بود که بعد از اینکه ما از منطقه رفتیم اهالی آنجا بدانند که این کمک‌ها از طرف سپاه و بسیج بوده است. باز دلیل این کار هم این بود که می‌دیدم بعضی وقت‌ها سپاه کارهایی انجام میداد اما فردا مشاهده می‌کردیم که گزارش این کار را یک ارگان دیگر برای خودش انجام داده، با اینکه اصلا حضور هم نداشتند. به همین خاطر از فرمانده‌های بسیج استفاده کردیم.

بعد از این تقسیم‌بندی در یک سالن ورزشی مستقر شدیم، که قسمتی از آنجا را برای انبار تخصیص دادیم و قسمت دیگرش را برای محل اسکان نیروهایی که می‌آمدند اختصاص دادیم. قسمت انبار را هم با توجه به وسایلی که برای ما می‌آمد مثل (مواد غذایی، موارد بهداشتی، پوشاک، لوازم گرمایشی و غیره) تقسیم‌بندی کردیم. همین‌طور یک نفر از بچه‌ها را انباردار کردیم که لیست ورودی و خروجی کالاها را داشته باشد.

در کنار این کارها، اکیمی از بچه‌های ما و دو نفر از معتمدین را برای نیازسنجی مردم و حضور میدانی (همه اینها برای روز اول است چون به دلیل بحرانی بودن موقعیت نباید زمان را از دست می‌دادیم) به

حتی تهیه اقلام نیز منوط به نیازسنجی و شناسایی خواهد بود. این شناسایی باید از روز اول حادثه شروع شده و به صورت مستمر ادامه پیدا نماید.

منطقه اعزام کردیم و سپس با استان خودمان تماس گرفته و گفتیم اولویت اقام این موارد است اینها را برای ما بفرستید. اولویت اقام در روزهای اول پتو و مواد غذایی بود، سپس چادر در اولویت قرار گرفت که مردم اسکان موقت داشته باشند. سپس در این مواقع بحرانی بهداشت زنان و تامین اقام بهداشتی خانم‌ها بسیار مهم است که کمتر کسی به آن توجه می‌کند، ولی ما در همان روزهای اول با بسیج جامعه زنان آنجا ارتباط و جلساتی برگزار کردیم و درصدد رفع آن تلاش کردیم و با کمک دو نفر از خانم‌های بسیجی و معتمد سعی کردیم مشکلات زنان منطقه را رفع و رجوع کنیم.

سپس در این مواقع بحرانی بهداشت زنان و تامین اقام بهداشتی خانم‌ها بسیار مهم است که کمتر کسی به آن توجه می‌کند، ولی ما در همان روزهای اول با بسیج جامعه زنان آنجا ارتباط و جلساتی برگزار کردیم و درصدد رفع آن تلاش کردیم و با کمک دو نفر از خانم‌های بسیجی و معتمد سعی کردیم مشکلات زنان منطقه را رفع و رجوع کنیم.

چون منطقه در آب بود، می‌بایست در خصوص حمل و نقل از ظرفیت اهالی همان جا استفاده می‌کردیم. برای رسیدن به بعضی مناطق صعب‌العبور وسیله حمل و نقل نداشتیم، سپس با چند نفر از اهالی که تراکتور داشتند صحبت کردیم و آنها هم قبول کردند که به صورت شیفتی و صلواتی به کمک بپردازند.

در مناطق حادثه‌دیده کمبود تجهیزات مختلف امری طبیعی است و این هنر گروه جهادست که با روش‌های مختلف این مشکلات را مرتفع نماید. مثلاً این گروه جهادی توانسته تا با اقناع مردم منطقه، از وسائل خودشان برای کمک به خودشان استفاده نماید.

بعد اقامی که خودمان تقسیم‌بندی کرده بودیم را تحویل مسئول اکیپ می‌دادیم و مسئولین هر بلوک رفتند و به کسانی که از قبل شناسایی شده بودند وسایل را تحویل می‌دادند و به نحوه توزیع نظارت داشتند.

چند روز اول بخاطر بحرانی بودن شرایط مجبور بودیم خیلی زود و سریع اینها را به مردم برسانیم و خودم هم در جهت عدالت تقسیم می‌رفتم به صورت

رندمی از چادرها سرکشی می کردم. بعد در رابطه با تکریم و کرامت انسانی، خب یک سری خانواده‌ها بودند که نسبت به دیگران ضعیف‌تر بودند. ما به نیروهای خود گفته بودیم که اقلام غذایی و وسایلی که بیشتر این خانواده‌ها به آن‌ها نیاز دارند را شب‌ها ببرند و تحویل این عزیزان دهند تا خدایی ناکرده جلوی همشهری‌ها سرافکنده نشوند.

تکریم و کرامت انسانی موردی است که گروه‌های جهادی باید به آن توجه کنند، و در برخورد با اهالی و خانواده‌های ضعیف‌تر باید نهایت تلاش خود را در خصوص حفظ آبروی این عزیزان به کار گیرند.

اکیپ دیگری به غیر از این افراد اختصاص دادیم برای شناسایی افرادی که زیر پوشش کمیته امداد و بهزیستی بودند، که این افراد را از طریق معتمدین (فرمانده پایگاه‌ها) شناسایی کردیم و به این عزیزان بسته‌های ویژه‌تری اهدا می کردیم.

بعد از دو هفته که شرایط تقریباً عادی‌تر شده بود برای دیدار از خانواده شهدا اقدام کردیم و اکیپ دیگری برای نیازشناسی خانواده شهدا هماهنگ کردیم که این هم بازخورد خوبی داشت.

ما بعد از اینکه از آنجا بازگشتیم تقریباً تا یک ماه کارهای خودمان را از طریق همان معتمدین و همین‌طور فرمانده سپاه آن ناحیه پیگیری می کردیم. بعد از ما تیم جهادی دیگری از استان خراسان شمالی در منطقه حضور پیدا کرد و با تعاملی که با گروه ما داشت، به آنها در خصوص روند پیشرفت کارها و فعالیت‌هایی که انجام دادیم توضیحاتی دادیم. به نظر من اصل تعامل با گروه‌های دیگری که منطقه را به دست می گیرند بسیار مهم است.

گروه‌های جهادی که مدتی در منطقه حضور دارند، باید تمام برنامه‌های انجام شده و در دست اقدام را به صورت مکتوب بنویسند تا در زمانی که می خواهند منطقه را ترک کنند، این مکتوبات را تحویل گروه بعدی دهند تا دوباره کاری نشود.

در خصوص تقسیم کار هم ما حدود ۹۶ گروه از شهر تبریز و اطرافش داریم، و با تقسیم‌بندی درست

گروه‌ها به شکلی کار کردیم که به هیچ گروهی فشار نیاید.

سه کار مهمی که انجام دادیم این بود که منطقه هدف را به واحدهای کوچکتر تقسیم کردیم و توزیع اقلام را به صورت مویرگی انجام دادیم. وقتی شما این کار را در منطقه اجرا کنید هم در بحث نظم‌دهی به شما کمک می‌کند و هم به صورت ریز می‌دانید که چه اقلامی را در کدام منطقه توزیع کرده‌اید.

مورد دوم توجه کامل به کرامت انسانی است. وقتی حادثه و مصیبتی در منطقه رخ داده ناخداگاه اخلاق و روحیات مردم تغییر می‌کند، و گروه‌های جهادی باید این تغییرات را در نظر بگیرند و مردم آن منطقه را به چشم محروم نگاه نکنند، مخصوصا در شهرستان‌هایی مثل آق‌قلا که دو ویژگی مهم دارد که عمده افراد هم اهل تسنن و هم ترکمن هستند و برای خودشان آداب و رسوم خاصی دارند باید به گونه‌ای رفتار شود تا کارهای ما با ارزش‌های آنها مغایرت نداشته باشد. ما در منطقه دیدیم که گروه‌هایی به خاطره همین موضوع و احترام نگذاشتن به ارزش‌های اهالی آنجا با افراد بومی به تنش برخوردند، ولی ما اعضا و مسئولین گروه را قبل از شروع کار توجیه می‌کردیم که به ارزش‌ها و آداب و رسوم منطقه و اهالی احترام بگذارند تا دچار مشکل نشوند.

مورد دیگر بحث نظارت است که بعضی وقت‌ها می‌بینیم اگر کار را به معتمدین محل بسپاریم شاید توزیع اقلام عادلانه صورت نگیرد. باید حتما از افراد گروه در حین پخش کردن اقلام، حضور داشته باشند تا عدالت در توزیع شکل بگیرد.

مورد دیگر بحث نظارت است که بعضی وقت‌ها می‌بینیم اگر کار را به معتمدین محل بسپاریم شاید توزیع اقلام عادلانه صورت نگیرد. باید حتما از افراد

گروه در حین پخش کردن اقلام، حضور داشته باشند تا عدالت در توزیع شکل بگیرد.

تجربه هماهنگی میدانی

پیش از اعزام گروه های جهادی به مناطق حادثه دیده، هماهنگی با متولیان امر در مناطق و کسانی که میزبان هستند امر بسیار ضروری است. در حادثه سیل گلستان، آقای ممشلی از مسئولین گروه های جهادی استان گلستان از جمله افرادی بودند که مقدمات حضور گروه ها را در منطقه فراهم می کردند. از ایشان خواستیم تا نکات و تجربیات و هر آنچه که باید گروه های جهادی قبل از اعزام بدانند را برای ما بیان کنند. متن زیر حاصل گفتگوی ما با ایشان است.

از موارد مهمی که گروه های میزبان باید به آن توجه کنند، بحث اسکان و تامین نیازهای اولیه نیروهایی که محل حادثه می آیند امر از ایاب ذهاب، تغذیه و... می باشد.

زمانی که حادثه سیل رخ داد، یکی از کارهایی که انجام دادیم بحث هماهنگی و نظم دهی به محل اسکان و نحوه حضور گروه های جهادی در منطقه بود. ما در زلزله کرمانشاه این تجربه را مشاهده کردیم که به علت نبود هماهنگی های لازم، هر گروهی که وارد منطقه می شد سردرگم بود، و خود این بی نظمی عامل بحرانی در منطقه حادثه دیده می شد.

سپس در دو طرف شرق و غرب استان دو محل اسکان تعبیه کردیم و بحث تغذیه، ایاب ذهاب و غیره هر گروه چه بومی و غیربومی که با هماهنگی های لازم وارد منطقه می شد را تامین کردیم. خبر در این بین گروه هایی وارد میشدند که وسایل و امکانات حداقلی را همراه خود نداشتند که ما در حد رفع نیاز به آنها وسایلی نظیر بیل، چکمه، لباس مناسب و غیره می دادیم

در شروع گفتیم که هر گروهی که می‌خواهد وارد منطقه شود باید با ستادی که تشکیل شده بود هماهنگی‌های لازم را انجام دهد، و یکسری شرایط را هم مطرح کردیم، مثلاً اینکه گروههای جهادی که میخواهند وارد شوند باید یک شناخت کلی از منطقه داشته باشند تا دچار دردسر در منطقه نشوند.

مورد بعدی آمدیم برای هر کدام از شهرستان‌های درگیر سیل مثل آققلا، گمیشان، بندر ترکمن و گنبد از افراد بومی و فعال همان منطقه یک معین مشخص کردیم تا تمام اخبار و اطلاعات لازم را به ستاد برسانند. این افراد در تمام جلسات شورای تامین استان شرکت می‌کردند.

حدود صد گروه جهادی تماس گرفته و اعلام حضور کرده بودند. خبر این حجم اگر یک جا وارد منطقه شوند بینظمی رخ می‌دهد. پس ما یک حالت ترمزدستی ایجاد کردیم، یعنی آن گروهها با ستاد تماس می‌گرفتند و شماره تماس می‌دادند. سپس تیمهای شناسایی ما که به مناطق سر می‌زدند نیازسنجی می‌کردند و طبق نیازهایی که هر منطقه به آن نیاز داشت به ستاد اعلام می‌کرد و ستاد هم به آن گروهها می‌گفت که بیایند. این کار تا حدودی جلوی بینظمی را گرفت.

نکته بعدی در طول حادثه، کمک‌های جمع‌آوری شده توسط مردم و سازمانها به سوی منطقه سرریز می‌شد، ما آمدیم یک انبار مرکزی ایجاد کردیم و هر کمکی که می‌آمد در اینجا دپو می‌کردیم، سپس بر اساس آن نیازی که تیمهای شناسایی از منطقه

نقش شناسایی تیم‌های بومی منطقه حادثه دیده نسبت به سایر تیم‌ها بسیار پررنگ‌تر و اثرگذارتر خواهد بود. تیم‌های بومی به دلیل اشراف به منطقه و همچنین نقش میزبانی سایر گروه‌های جهادی باید در حوزه اشراف قدم‌های جدی‌تری بردارند.

می‌گفتند اقلام را توزیع می‌کردیم.

مورد بعدی در خصوص پخش کردن کمک‌های مردمی است. ما با رصدی که از طریق تیم‌های شناسایی انجام می‌دادیم پی می‌بردیم که کدام مناطق به چه وسایل و امکاناتی نیاز دارد و طبق آن عمل می‌کردیم. همین‌طور دوستانی که معین شهرها بودند به طور مستمر به نحوه توزیع اقلام نظارت داشتند تا خدایی ناکرده حق کسی پایمال نشود.

مورد بعدی درباره مسائل مالی است. ما آمدیم یک شماره حساب را در سطح استان و بین مردم اعلام کردیم تا کمک‌های نقدی مردم به طور متمرکز در این حساب جمع‌آوری شوند.

در کنار گروه‌های جهادی که برای تخلیه گل و شن می‌آمدند، گروه‌هایی بودند که کارهای تخصصی انجام می‌دادند، مثل گروه‌های پزشکی، دامپزشکی، فرهنگی و غیره که در کنار دیگر گروه‌ها به فعالیت می‌پرداختند. مثلاً در بحث دامپزشکی، یک گروهی از کرج آمدند و یک بازدید میدانی انجام دادند و مشکلات و بیماری‌های بین دام و انسان را بررسی کردند و کارهای مورد نظر را انجام دادند.

در مورد همکاری کردن دستگاه‌های دولتی و اجرایی، خب الحمدالله تعامل خوبی مطرح بود. اکثر افراد ما که معین هر شهری بودند در جلسات اداری شهرها شرکت داشته و نکته و نظرات خود را مطرح می‌کردند. مثلاً در شهر گنبد، محل اسکان نیروها را در دانشگاه شهر تعبیه کرده بودند و آن را در اختیار

بچه‌های جهادی داده بودند.

یک نکته مهمی که باید به آن اشاره کنم این است که خب استان ما استان بزرگی است و اقوام و مذاهب مختلفی در خود دارد نظیر ترکمن‌ها و همشهریان اهل سنت. طبق این گفته، قبل از حضور گروه‌ها در مناطق مختلف ما بعضی مسائل فرهنگی و اعتقادی را با این عزیزان مطرح می‌کردیم تا خدایی ناکرده نیروی جهادی یک زمان کاری نکند که ضد مسائل فرهنگی آن منطقه عمل کند و باعث دلخوری شود.

یک نکته مهمی که باید به آن اشاره کنم این است که خب استان ما استان بزرگی است و اقوام و مذاهب مختلفی در خود دارد نظیر ترکمن‌ها و همشهریان اهل سنت. طبق این گفته، قبل از حضور گروه‌ها در مناطق مختلف ما بعضی مسائل فرهنگی و اعتقادی را با این عزیزان مطرح می‌کردیم تا خدایی ناکرده نیروی جهادی یک زمان کاری نکند که ضد مسائل فرهنگی آن منطقه عمل کند و باعث دلخوری شود.

چون در گذشته در بین بزرگان این مناطق نگاه خوبی به گروه‌های جهادی وجود نداشت. به دلیل اینکه فکر می‌کردند این گروه‌ها برای بحث کردن در باب مسائل اعتقادی وارد منطقه می‌شوند. ولی به لطف خدا این نگاه در قضیه سیل جمع شد، شاید یکی از محاسن سیل همین قضیه باشد. مردم و بزرگان اهل سنت و ترکمن وقتی محبت و خلوص گروه‌های جهادی و نیروهای جهادی را در مواجهه و کمک با اهالی مشاهده می‌کردند اعتماد و نگاهشان به گروه‌های جهادی و حتی در سطح بالاتر به جمهوری اسلامی عوض شد.

چون در گذشته در بین بزرگان این مناطق نگاه خوبی به گروه‌های جهادی وجود نداشت. به دلیل اینکه فکر می‌کردند این گروه‌ها برای بحث کردن در باب مسائل اعتقادی وارد منطقه می‌شوند. ولی به لطف خدا این نگاه در قضیه سیل جمع شد، شاید یکی از محاسن سیل همین قضیه باشد. مردم و بزرگان اهل سنت و ترکمن وقتی محبت و خلوص گروه‌های جهادی و نیروهای جهادی را در مواجهه و کمک با اهالی مشاهده می‌کردند اعتماد و نگاهشان به گروه‌های جهادی و حتی در سطح بالاتر به جمهوری اسلامی عوض شد.

در آخر یکی از معضلاتی که گروه‌های جهادی دارند و کمتر به آن توجه می‌کنند، بحث مستندسازی است. اگر هر گروهی از کارهایی که میکنند فیلم و کلیپ تهیه کنند و در معرض پخش قرار دهند، مردم متوجه فعالیت و عام‌المنفعه و بدون چشم داشت این گروه‌ها می‌شوند و دیدگاهشان نسبت به گروه‌های جهادی عوض می‌شود.

هم خیریه هم جهادی

«گروه جهادی و خیریه فردای سبز سال‌ها در عرصه محرومیت‌زدایی و خدمات‌رسانی به محرومین فعالیت‌های ارزنده‌ای داشتند. از جمله در حوادث سیل و زلزله چندسال اخیر. بدین منظور از آقای سلیمان‌جای از مسئولین این گروه درخواست داشتیم تا تجربیات خویش را در اختیار ما قرار دهند.»

خواشمندم در ابتدا گروهتان را معرفی کنید و یک شرحی از نحوه تشکیل و فعالیت‌هایتان را بیان بفرمایید.

یکی از کارهایی که در گروه‌های جهادی می‌توان انجام گردد، این است که در ذیل کار اصلی که گروه انجام می‌دهد، فعالیت‌های دیگری مثل تأسیس خیریه و... انجام شود.

گروه «فردای سبز» حدوداً از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه شریف در حوزه کمک‌رسانی و کارهای جهادی شکل گرفت که در ذیل این گروه، گروه «صبح امید» برای فعالیت در حوزه خیریه و کمک‌رسانی به مستمندان در سال ۱۳۹۷ تأسیس شد. بنده و تعدادی از دوستان در زمینه کمک به سیل‌زده‌گان هم در قالب گروه‌های فرهنگی دانشجویی «فردای سبز» شریف و هم در قالب جمعیت خیریه «صبح امید» فعالیت‌هایی را انجام دادیم.

گروه ما در بعضی از دانشگاه‌های دیگر هم فعالیت و پایگاه دارد و در محلات محروم حومه شهر و منطقه‌های جنوب تهران فعالیت دارد.

هر دوگروه به نحوی دانشجویی هستند اما گروه «صبح امید» از بنده مردمی بیشتر استفاده می‌کند و در مناطق محروم فعالیت دارد.

از چه طریقی اطمینان حاصل کردید که باید در منطقه حضور پیدا کنید؟

بعضی از گروه‌های جهادی و دانشجویی اعضایشان سریع عوض می‌شوند و یا تازه تاسیس هستند یا اگر قدیمی هستند اعضای جدید هر یکی دوسال یک بار اضافه می‌شوند، ولی گروهی که ما داریم از اعضای با تجربه و پا کار هستند.

مثلاً خودم ۱۲ سال در گروه حضور دارم. بچه‌هایی که سال ۷۶ بودند الان دیگر نیستند. وقتی سیل رخ داد و اطلاع پیدا کردیم از خطراتی که برای مردم پیش آمده، خیلی سریع برنامه‌ریزی و تیم تشکیل دادیم و با گروه‌ها و سازمان‌های فعالی که در منطقه بودند از قبل ارتباط داشتیم.

ارتباط مستمر و دائم قبل از حادثه با سازمان‌ها و ارگان‌های متولی کار، به گروه کمک می‌کند که سریع‌تر اطلاعات و اخبار موثق را متوجه شوند و متمرکز و با برنامه‌ریزی قبلی عمل کنند.

بعد یک گروه شناسایی، سه نفر از افراد با تجربه را از طریق گروه «صبح امید» به منطقه سیل‌زده شمال کشور شهرستان آق‌قلا اعزام کردیم. به همراه دوستان در جمعیت امام حسن (ع) که آنجا فعال بودند و کارهایی از قبیل: شناسایی مناطق، شناسایی نیازمندی‌ها و غیره انجام می‌دادند و ما هم به آنها کمک می‌کردیم، به عبارتی ما نیرو برای کار به آق‌قلا نفرستادیم ولی تیم شناسایی ما به گروه‌های دیگر در این مورد کمک می‌کرد.

گروه‌های جهادی در حوادثی که رخ می‌دهد می‌توانند نقش تیم پشتیبان را داشته باشند. مثلاً منطقه‌ای از لحاظ نیروی انسانی تکمیل است، پس لازم نیست گروهی دیگر به آنجا ملحق شود. آن گروه می‌تواند از ظرفیت تیم شناسایی خود که تعدادشان کمتر است در مناطق دیگر به کارگیری کند.

چگونه با مسئولین بالادست هماهنگی‌های لازم را انجام دادید؟

دسترسی به مسئولین بالادست در مواقع بحران واقعا سخت هست. حالا یک نکته مثبتی که گروه

ما داشت این بود که از قبل با اینها ارتباط داشتیم و ما را می‌شناختند. همینطور با مسئولین قرارگاه پیشرفت و آبادانی بسیج و دیگر قرارگاه‌های موجود مثل قرارگاه جهادی امام رضایی‌ها(ع) ارتباط داشتیم و می‌دانستیم هرکدامشان دارند چه کاری را انجام می‌دهند و سعی می‌کردیم که جای درستی از این پازل قرار بگیریم. داشتن اطلاعات موثق خیلی مهم است. اینکه بدانی چه اتفاقی دارد می‌افتد و کجا می‌توانی یک نقش مثبتی ایفا کنی.

داشتن اطلاعات موثق خیلی مهم است. اینکه بدانی چه اتفاقی دارد می‌افتد و کجا میتوانی یک نقش مثبتی ایفا کنی.

ازچه روش‌هایی برای فراخوان نیرو و مشارکت افراد استفاده کردید؟

جمع کردن بچه‌ها آن هم در ایام عید سخت بود، ولی خب خیلی از نیروهای گروه علاقه‌مند بودند. اینطور نبود که ما دنبال نیرو باشیم، آنها خودشان دنبال کننده بودند که تاریخ اعزام کی می‌باشد. خب این اطلاع‌رسانی انجام شد. دوستان جمع شدند با هزینه شخصی و با هزینه خیرین اتوبوسی تهیه شد و تعدادی از دوستان هم یک ماشین بزرگ باری تهیه کردند که لوازم آشپزخانه و کمک‌های مردمی و غیره چیزهای دیگر را بیاورند.

کمک‌های مردمی را چگونه جمع‌آوری کردید؟

آن زمان که تیم شناسایی به منطقه رفته بودند، تیم اصلی در تهران کمک‌های مردمی را جمع‌آوری می‌کردند. بعد از اعزام نیروها هم، یه تعدادی از بچه‌ها ماندند و در بحث پشتیبانی و جمع‌آوری کمک‌ها فعالیت کردند

چگونه مواردی که در محل حادثه به آن نیاز دارید، تعیین و تامین کردید؟

یکی از نکات مهمی که گروه‌های جهادی در زمان بحران به آن باید خیلی توجه کنند، بحث برنامه‌ریزی و نظم می‌باشد، اینکه گروه‌ها با عدم برنامه‌ریزی خودشان سربار بحران‌زدگان نباشند. ممکن است یک گروهی علاقه‌مند به کمک کردن باشد ولی به دلیل هماهنگی نبودن و تهیه نکردن امکانات در منطقه برای مسئولین مزاحمت ایجاد کنند، که مسئولین مربوطه باید از این گروه‌ها هم استقبال و با برنامه‌ریزی درست از آنها استفاده کنند ولی این گروه‌ها هم باید برنامه‌ریزی خودش را داشته باشد.

بچه‌های گروه ما قبل اعزام بررسی کردند که چه اقلامی نیاز هست بعد به این نتیجه رسیدیم که در روزهای اولیه، بحران توزیع غذای گرم در منطقه زیاد هست. برای همین این کار را در برنامه خودمان قرار دادیم و روزانه ۲۰۰۰ پرس غذا توزیع کردیم. در روزهای اول بحران برای کار در منطقه وسایل مورد نیاز نظیر: چکمه، بیل، لباس مناسب و غیره نیاز بود که برای اعضای گروه تهیه شد. پمپ و کفکش مناسب هم داشتیم که بقیه گروه‌ها هم از آنها استفاده می‌کردند آن هم از طریق خیرین تامین شده بود. در مورد جمع‌آوری کمک‌ها هم بگویم که گروه «فردای سبز» و جمعیت خیریه «صبح امید» گروه‌هایی هستند که در دانشگاه‌های شریف و تهران و جاهای دیگر فعالیت دارند و کسانی که می‌خواهند کمکی بکنند این گروه‌ها را می‌شناسند

و اقدام می‌کنند تقریباً می‌توانم بگویم ما از نظر حمایتی و پشتیبانی وصل به سازمان خاصی نیستیم و کاملاً مردم نهاد هستیم.

بعد از حضور در منطقه چگونه با ستاد هماهنگ شدید؟ اولویت عرصه کاری گروه را چگونه تشخیص دادید؟

تعامل گروه‌های جهادی باهمدیگر در منطقه، می‌تواند جلوی موازی کاری و دوباره کاری را بگیرند.

کاری که ما برای جلوگیری از موازی کاری انجام دادیم این بود که با گروه‌هایی که در منطقه فعال بودند ارتباط گرفتیم و کار هرکدام را متوجه شدیم، مثلاً چه نیازهایی را دارند رفع می‌کنند و چه برنامه‌ای دارند. خبر یکی از اینها ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و دیگری قرارگاه پیشرفت و آبادانی بسیج که با این دو مجموعه همکاری و هماهنگی‌های لازم را داشتیم.

در یکی از روستاهای نزدیک شهر پلدختر استان لرستان رفتیم. سپس یک آشپزخانه که به آن نیاز بود تاسیس کردیم. یکی پخت و طبع غذا و دیگری پخش و توزیع غذا که توزیع غذا هم سخت‌تر و هم نیاز به هماهنگی بیشتری دارد.

ما باید می‌دانستیم که کدام گروه درکجا غذا توزیع کرده تا هماهنگ باشیم. توزیع‌ها هم با هماهنگی سازمان‌های بالادستی بود. یعنی هم قرارگاه پیشرفت و آبادانی و هم گروه‌های فعال بسیج که از آنها اطلاعات می‌گرفتیم که کجاها دارند توزیع می‌کنند و مثل یک گروه واحد سعی می‌کردیم فعالیت کنیم.

کمک‌های مردمی را چگونه در محل حادثه توزیع

کردید؟

بخشی از کمک‌ها را به تعدادی از گروه‌های مردمی فعالی که در منطقه حضور داشتند دادیم و بخشی را هم به سازمان‌هایی که فعال بودند و بقیه را هم در یکی از روستاها توزیع کردیم. بیشترین کمک گروه به شکل طبخ غذا و خالی کردن گل‌ولای از منازل مردم بود.

کمک‌های نقدی را هم، چون کار گروه خیریه است، در منطقه یک شناسایی کردیم و تعدادی خانواده که در اولویت بیشتری بودند را پیدا و مشکلات و نیازهای عمده آنها را با توجه به آن مقدار کمک‌های نقدی که داشتیم رفع و رجوع کردیم.

با دیگر گروه‌های جهادی (هم جبهه‌ای و غیرمذهبی) چگونه تعامل کردید؟

برخورد ما با این گروه‌ها خیلی کم بوده، ما آنقدر فعالیت آن‌ها را در منطقه گسترده ندیدیم. اکثر گروه‌هایی که می‌دیدم به نحوی که شما می‌فرمایید نبودند، گروه‌های مردمی بودند که معمولاً از هیئت‌ها، مساجد و غیره بودند. ولی با این حال این گروه‌ها هم واقعا کارشان ارزشمند است، ما در خصوص کار کردن و یا نکردن این گروه‌ها اختیاراتی نداشتیم و سعی می‌کنیم دوستانه با آنها تعامل داشته باشیم این عقیده شخصی بنده است.

ما افروود بازی هم داریم که حاضر نیست در منطقه حضور پیدا کند، ولی آن تعدادی که آمده‌اند

کارشان ارزشمند است.

شهید چمران از کسانی که فکرش را هم نمی‌کردند رزمنده می‌ساخت. من این داستان را شنیدم که موتور سوارانی بودند که خب کارشان چیز دیگری بود ولی شهید چمران آنها را جذب جبهه کرد، خب باورش برای خیلی‌ها سخت بود که مثلاً این اهل جبهه باشد. ما باید این روش را یاد بگیریم و سرلوحه کار خودمان قرار بدهیم.

اطلاعات لازم برای فعالیت در منطقه را چگونه جمع‌آوری کردید؟

یکی از معضلات بزرگی که در بحث اطلاعات‌گرایان گیر گروه‌های جهادی است، اطمینان کردن به فضای مجازی و گرفتن اخبار از این فضا است. فضای مجازی خود بستری از شایعات است که نباید به آن بسنده کرد.

اطلاعات را ما از طریق گروه‌های معتبر و مورد اعتماد و فعال در منطقه می‌گرفتیم. نکته دیگر اینکه به اطلاعات و اخبار شبکه‌های مجازی اصلاً به هیچ‌وجه اعتمادی نکردیم و قطعاً همه می‌دانند که نباید اعتماد بشود.

یعنی از ستاد بحران و سپاه استان اطلاعات را کسب می‌کردید؟

بله کاملاً ارتباط داشتیم مثلاً به ما گفته میشد که در فلان منطقه گروه‌های جهادی زیادی اعزام شده نیازی نیست ما دیگر آن منطقه را از اولویت خارج کردیم، یا یک منطقه‌ای آن زمانی که ما می‌خواستیم برویم شهر معمولان مسیرش باز نبود با این که اولویت زیادی داشت ما آن را هم از اولویت خارج کردیم می‌دانستیم که امکان ورود نیست یا نرفتیم تو راهش گیر کنیم این اطلاعات رو داشتیم.

ملاحظات رفتاری با مردم حادثه دیده چیست؟

درباره ملاحظات رفتاری، مثلاً قومیت‌های مختلفی در خوزستان هستند مثل: عرب‌ها، بختیاری‌ها و غیره که با هر کدامشان باید یک جور برخورد کرد، روی خوش نشان داد و تحکمی نباید با آنها برخورد کرد.

مهم‌ترین چیزی که در فعالیت‌ها به تمام اعضای گروه می‌گوییم این است که در برخورد با مردم حادثه دیده و در پخش کردن کمک‌ها، عزت نفس و کرامت انسانی و احترامی که هر انسانی دارد باید رعایت شود. اینکه به هیچ وجه خودمان را نباید بالاتر از آن فردی که بهش کمک می‌شود بدانیم، یا خودمان را بزرگتر از آن کسی که آسیب‌دیده بدانیم. نیروی جهادی خودش را باید خادم مردم حادثه دیده بداند.

مهم‌ترین چیزی که در فعالیت‌ها به تمام اعضای گروه می‌گوییم این است که در برخورد با مردم حادثه دیده و در پخش کردن کمک‌ها، عزت نفس و کرامت انسانی و احترامی که هر انسانی دارد باید رعایت شود.

بعد یک نکته مهمی که در این ۱۲ سال تجربه داشتیم، حساسیت‌های مناطق مختلف را تقریباً می‌دانیم. مثلاً در مناطقی که برادران سنی در آنجا ساکن هستند باید به عقایدشان احترام بگذاریم تا وحدت، اتحاد و برادری بین شیعه و سنی تحکیم شود.

گروه‌های جهادی که در مناطق اهل سنت و یا مذهب‌های دیگر فعالیت دارند، به این نکته باید توجه کنند که به عقاید اهالی آنجا احترام بگذارند و خدایی ناکرده با رفتار و کارهای خود نباید موجب حساسیت و آزار اهالی آن منطقه شوند.

اخبار و رویدادهای منطقه را چگونه رسانه‌ای

کردید؟

یکی از نقاط ضعفی که گروه‌های جهادی و سازمان‌های دولتی و حکومتی در بحث امدادرسانی دارند این است که کارهایی که انجام می‌دهند را رسانه‌ای نمی‌کنند. در دیداری که اخیراً حضرت

گروه های جهادی فعالیت هایی که چه در مناطق محروم و یا در حوادث انجام می دهد را باید رسانه ای کنند تا مردم جامعه با این نوع کارها آشنا و آگاه شوند.

آقا با گروه های جهادی داشتند، وقتی گروه ها گزارش های خود را خدمت آقا ارائه دادند ایشان به این نکته اشاره کردند که این کارها حرکت های خوبی است ولی باید به مردم نشان داده شود. خب این کار رسانه ای باعث می شود که دیگر شبکه های معاند نتوانند از اوضاع بحرانی که در یک منطقه رخ داده موج سواری بکنند.

ملاحظات امیدآفرینی در منطقه یا در رسانه

چیست؟

این جای سخت کار هست و انسان به امید زنده است و اینکه هرکسی به آینده روشن امید داشته باشد قدرت و انگیزه اش در مواجهه با بلاها و کمک رسانی بیشتر می شود و هرکس هم ناامید باشد قدرت حرکت را از دست می دهد. این باید برای نیروی جهادی سرلوحه باشد تا با تزریق انگیزه و امید به اهالی منطقه حادثه دیده، باعث شود فرد آینده مثبتی برای خود ترسیم کند. حال این کار می تواند به کمک تیم های رسانه ای، مددکاری و غیره انجام شود.

زمان گروه را در منطقه چگونه مدیریت کردید؟

ما برای این موضوع مسئول برنامه ریزی و اجرایی داشتیم که برنامه ریزی گروهی و افراد را انجام می داد. ما سه گروه داشتیم که یک گروه کارهای عمرانی مثل خالی کردن گل ولای را انجام می داد، یک گروه در آشپزخانه فعال بود و یک گروه هم کارهای پشتیبانی را انجام می داد.

در محل وقوع بلایای طبیعی بیشتر چه نوع نیروها و چه نوع امکاناتی مورد نیاز است؟

بیشترین چیزی که نیاز به اطلاعات دقیق منطقه است. بعد اگر گروه‌های مردمی می‌خواهند فعالیت کنند باید امکانات مادی و مالی به همراه افراد با تجربه که توان مدیریت دارند به همراه خود داشته باشند. در مناطق حادثه دیده نیروی تخصصی خیلی لازم است. مثلاً در کار آشپزخانه همه می‌توانند ظرف بشورند ولی همه آشپزی کردن که یک تخصص است را بلد نیستند، در اینجا نیروی متخصص به کار می‌آید. همینطور حضور افرادی که دارای تجربه مدیریت و کنترل شرایط هستند هم در منطقه ضروری است.

اگر گروه شما کار خاص و یا فعالیت تخصصی را در منطقه انجام داده شرح دهید.

در بحث زلزله کرمانشاه موضوع توزیع کانکس را داشتیم که حدوداً ۶۰ دستگاه کانکس به خانواده‌ها داده شد که اینکار باعث شد تا یکی دو سال اهالی از آنها استفاده کنند و از نظر مسکن از چادرنشینی خارج شوند و وضعیت بهتری داشته باشند. همینطور در زلزله‌ای که در سال ۹۶ در خراسان شمالی آمد گروه ما توانست در عرض ۶ ماه دو واحد مسکونی را تحویل مردم دهند.

پژوهش و شناسایی مقدمه عمل جهادی

یکی از معضلاتی که در شرایط بحران و مواقع بلایای طبیعی وجود دارد عدم شناسایی مناسب از منطقه و نداشتن بانک اطلاعاتی و تحلیل آن هاست.

متن زیر محصول گفتگوی ما با جناب آقای امیری فر مسئول کارگروه پژوهش معاونت عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی است که تجربیات و پژوهش های گسترده ای در این حوزه داشته اند.

درباره بحث شناسایی، یک تجربه ای از بچه های دانشگاه تهران و از ۱۲ سال پیش وجود داشت که کار شناسایی را در یکسری پارامترها و در مناطق محروم کشور آن را پیاده سازی کردند. این کار جزو اولین فعالیت های شناسایی بود که به طور رسمی انجام شد.

سپس این کار به صورت یک کارگروه پژوهشی در معاونت سازندگی مطرح شد و به یک اسلوب کلی رسیدند. در این کار مشخص شد که وقتی بچه های جهادی وارد منطقه می شوند باید از چه کسانی و از چه چیزی اطلاعات کسب کنند (مثلا وضعیت فرهنگی، اقتصادی، زیربنایی و غیره) سپس چگونه این داده های جمع آوری شده را تحلیل و به برنامه ریزی آن برسند. معاونت سازندگی همه اینها را در یک بسته ۹ جلدی جمع آوری کرده و آن را برای استفاده در معرض عموم گذاشته است.

ما وقتی وارد منطقه حادثه دیده سرپل ذهاب شدیم

دیدیم که جمعیت زیادی از مردم به سمت آنجا هجوم برده‌اند که این خودش باعث شلوغی و مختل شدن امدادرسانی در ساعات اول می‌شود، بعد به خاطره عدم شناسایی دقیقی که انجام نشده است، باعث می‌شود که نیرویی که وارد منطقه می‌شوند خیلی به کار نیاید و آن توان انسانی کم‌کم تحلیل رود. مورد بعدی که به آن برخوردیم آن فضای پایدار و باثباتی که در اردوهای جهادی به کمک کار شناسایی لمس کرده بودیم، در منطقه حادثه دیده وجود نداشت و بسیار شلوغ و پرتنش بود.

عدم شناسایی درست، باعث می‌شود که نیروی انسانی که به صورت خودجوش به منطقه می‌آید ناکارآمد بماند.

صحنه‌ای که من در سرپل ذهاب با آن برخورد داشتم، این بود که عملاً هرچیزی که ما در پژوهش کار شناسایی می‌گفتیم اینجا صددرصد رخ داده بود، ولی متأسفانه کسی نبود که به خوبی آن را انجام دهد.

مثلاً وارد یک منطقه می‌شدیم که چندین روستا داشت، وقتی با اهالی آنجا هم صحبت می‌شد، می‌گفتند که اینجا دیشب هلال‌احمر چادر پخش کرد ولی به دلیل ضعف مدیریت به خیلی از اهالی نرسید، یا مثلاً از کل کشور لباس برای مناطق حادثه دیده جمع‌آوری شده بود، ولی به دلیل اینکه حجم لباس‌ها زیاد بود و به همه رسیده بود، مردم آنها را برای گرم شدن خوشان آتش می‌زدند، چون وسایل گرمایشی به آنجا نرسیده بود. یک معضل مهم دیگری که در این مناطق رخ می‌داد، مردم از شهرهای دیگر می‌آمدند به مناطق حادثه دیده و خودشان را اهالی آنجا معرفی می‌کردند و کمک‌هایی که برای مردم آن منطقه بود را به اینها هم می‌دادند.

وقتی شناسایی انجام نگیرد، توزیع اقلام ممکن است حتی به ازبین رفتن اقلام بیانجامد. شناسایی و تحلیل داده‌ها می‌تواند جلوی بی‌نظمی و هرج و مرج را در منطقه حادثه دیده بگیرد.

همه این مشکلات و معضلات به این بر می گردد که کار شناسایی به خوبی انجام نشده و نهادهای اصلی و متولی کار، مثل ستاد مدیریت بحران که زیر مجموعه وزارت کشور است بسیار بد عمل کردند. یعنی به طور قاطع می گویم که اصلاً تمایلی به سمت اینکه یک شناسایی داشته باشیم و برطبق این شناسایی توزیع اقلام را داشته باشیم اصلاً وجود نداشت.

درواقع یکی از معضلاتی که در شرایط بحران و مواقع بلایای طبیعی وجود دارد این است که ما تجمع دیتا و پردازش دیتا نداریم

درواقع یکی از معضلاتی که در شرایط بحران و مواقع بلایای طبیعی وجود دارد این است که ما تجمع دیتا و پردازش دیتا نداریم. یکی از ساده ترین کارها این است که مثلاً دهیاری ها قبل وقوع حوادث، بیابند اسامی و تعداد خانوارهایی که در آن روستا هستند را گردآوری کند، تا زمانی که حادثه رخ داد و مدارک شناسایی مردم زیر آوار ماند، اهالی آنجا دچار سردرگمی نشوند و دهیاری ها با توجه به اطلاعاتی که دارند اقلام را پخش کنند.

ما در حادثه کرمانشاه طرحی مطرح کردیم که به مدت یکی دو هفته کار دقیق شناسایی انجام بدهیم که مثلاً مردم در لحظات اول چه چیزی نیاز دارند، مواد غذایی و پوشاکی که در روزهای اول نیاز دارند چی باید باشد، سپس به بحث اسکان رسیدیم که چادرها و کانکس ها چگونه توضیح شود و غیره. خوب ما با توجه به امکانات، زمان و بضاعتی که داشتیم توانستیم یک قدم رو به جلو برداریم.

اگر گروه ها بخواهند در این مدل موفق تر باشند، لازمه اش این است که مدت زمان بیشتر و حضور

مداوم در منطقه داشته باشند تا صفر تا صد کار دست خودشان باشد. اگر این کار را انجام دهند پیشرفت کار را به خوبی لمس می کنند.

در آخر پیشنهاد اصلی من به گروه های جهادی این است که حتما بر روی تیم های قوی شناسایی سرمایه گذاری کنند تا در زمان وقوع بلایا سریع در منطقه حاضر شوند و با آن رصدی که می کنند می توانند تا حدی آن شلوغی و بی نظمی که به خاطره شرایط اضطرار در منطقه رخ می دهد را تا حد زیادی کم کنند.

در آخر پیشنهاد اصلی من به گروه های جهادی این است که حتما بر روی تیم های قوی شناسایی سرمایه گذاری کنند تا در زمان وقوع بلایا سریع در منطقه حاضر شوند و با آن رصدی که می کنند می توانند تا حدی آن شلوغی و بی نظمی که به خاطره شرایط اضطرار در منطقه رخ می دهد را تا حد زیادی کم کنند.

تجربه تعامل در بحران

همواره در مواقع بحران و در مناطق حادثه دیده گروه‌های جهادی زیادی حضور پیدا می‌کنند که مدیریت کردن این گروه‌ها کاری دشوار است. آنچه که باید به آن توجه داشت تعامل مناسب با افراد و مسئولین امر در منطقه، گروه‌هایی که از قبل حضور پیدا کرده‌اند و حضور با برنامه ریزی قبلی است. در این راستا گفتگویی با آقای بزرگیان مسئول گروه جهادی راه کربلا تدارک دیده ایم.

در خدمت جناب آقای بزرگیان هستیم. از ایشان می‌خواهیم در ابتدا گروه خود را معرفی کنند و یک شرحی از نحوه تشکیل و فعالیت‌هایشان را بیان نمایند.

گروه «راه کربلا» از سال ۱۳۸۸ در منطقه قلعه گنج استان کرمان به صورت متمرکز شروع به فعالیت کرد. الان نزدیک ۱۲ سال است که در این منطقه حضور داریم و با کمک گروه‌های دیگر یک قرارگاهی تشکیل دادیم و در کنار فعالیت‌هایی که داریم کاره شناسایی مناطق را هم انجام می‌دهیم تا گروه‌هایی که برای اردو جهادی تشریف می‌آورند در منطقه دچار سردرگمی و شناسایی اولیه نشوند.

از چه طریقی اطمینان حاصل کردید که باید در منطقه حضور پیدا کنید؟

در آن زمانی که سیل آمد ما نمی‌دانستیم که به سمت آق‌قلا برویم و یا اینکه برویم به منطقه

قلعه گنج و به اردو خودمان برسیم. چون خبرها بسیار ضد و نقیض بود، به همین دلیل از بسیج سازندگی کسب تکلیف کردیم که گفتند نیرو به اندازه کافی هست ولی باز دیدیم اطلاعات ضد و نقیض است به همین دلیل از بچه‌های خودمان یکی را برای کاره شناسایی به منطقه اعزام کردیم تا خیال ما راحت شود. وقتی اعلام کرد به ما که اینجا نیرو زیاد است ما نیروهای ما را به همان منطقه قلعه گنج اعزام کردیم.

بعد که از اردو برگشتیم، سیل به مناطق لرستان و خوزستان رسیده بود، باز ما مجدداً یکی از دوستان را برای بحث شناسایی به منطقه اعزام کردیم تا هماهنگی‌های لازم از قبیل اینکه: به کدام منطقه برویم، محل اسکان و غیره را با مسئولین سپاه استان انجام بدهد. ایشان تمام آن قرارگاه‌هایی را که سپاه استان و سپاه تهران زده بود را بررسی کرده بود و در آخر به این نتیجه رسیدیم که خودمان برویم در یک روستایی که نیروهای امدادی کمتری به آن رسیدگی کرده بودند مستقر شویم.

از چه روش‌هایی برای فراخوان نیرو و مشارکت افراد استفاده کردید؟

خب ما بعد از گذشت ۱۲ سال نیروهای ثابت خودمان را داریم و برای جذب نیرو و فراخوان از طریق فضای مجازی، ارسال پیامک و تبلیغ چهره به چهره استفاده می‌کنیم. ما برای حادثه سیل فراخوان زدیم و حدود ۴۰ نیرو را در حالت آماده باش قرار دادیم تا به محض اطلاع از منطقه به محل حادثه اعزام کنیم.

از اولین و مهم ترین کارهایی که قبل از اعزام به منطقه باید آن را انجام شود بحث شناسایی اولیه و کسب تکلیف از مسئولین مربوطه منطقه است. قبل از حضور در منطقه حتماً باید از وضعیت منطقه با جزئیات اطلاعات کسب کرد تا بتوان با توجه به وضعیت گروه و مهارتهایش، برنامه‌ریزی نمود

ثبات نیرو در یک گروه جهادی از ملاحظات مدیریت آن گروه است و باید در طول دوره فعالیت گروه جهادی برای این موضوع برنامه‌ریزی کرد

چگونه با مسئولین بالادست هماهنگی‌های لازم را انجام دادید؟

ما نیروهایی که برای شناسایی فرستادیم رفتند سوسنگرد و پیش مسئولین سپاه آنجا و پیش قرارگاهی که سپاه تهران زده بود. گفتند بله ما دوتا محور داریم به این صورت و برای سازماندهی بروید پیش سرهنگ فلائی رفتند دیدند که کار خیلی بهم ریخته است و چون گستردگی کارم خیلی زیاد بود عملاً آنها نمی‌رسیدند که نیروها را سازماندهی کنند. یکبار می‌گفت اره اره بیاید همین امشب بچه‌ها تون کجا هستند بروند گونی‌ها را پر کنند و یه بار می‌گفتند نه نه نمایند الان جا نداریم. هرکس آنجا می‌رسید مثلاً می‌گفتی من ۴۰ نفرم می‌گفت اون گونی هارو پرکن، تموم میشد معلوم نبود دیگه کاری باشه یا نباشه نیرو جهادی هم این رو برنمی‌تابه مخصوصاً مثلاً سیل زلزله اومده می‌خواد بره عملیات کنه و مثلاً دیگه زمین و زمان را یکی کنه. ما رفتیم با مسئولین هم یک تعاملی داشتیم. حتی آن زمانی که آنجا بودیم اگر نیاز داشتند می‌رفتیم بهشون کمک می‌کردیم ولی اینطوری نبود که بتوانند یک سازماندهی خوبی انجام بدهند و بتوانند کامل وقت بچه‌ها را پر کنند به همین خاطر ما با اونا هماهنگی انجام دادیم و گفتیم داریم می‌آییم.

بعد از فراخوان، نیروها را چگونه به محل حادثه رساندید؟

با اتوبوس

یکی از مشکلات عمده ای که در ساعات اولیه وقوع حادثه در منطقه رخ می‌دهد، بحث بی‌نظمی و نداشتن مدیریت بحران است. این مسئله باعث می‌شود تا شاید نتوان خیلی به اخبار از منطقه اعتنا کرد و حتماً باید از منابع موثق مثل معاونت جهادی سازمان بسیج دانشجویی کمک گرفت.

کمک‌های مردمی را چگونه جمع‌آوری کردید؟

کمک مردمی هم داشتیم ولی نه به صورت اینکه خودمان ایستگاه بزنیم پول جمع کنیم چون وقت نداشتیم. ما چون خودمان اردو بودیم برگشتیم تهران و دو روز بعدش بچه‌ها را اعزام کردیم. مثلاً هیئت‌ها یا گروه‌هایی که با آنها در تماس بودیم بنا به آن قرارگاهی که در کرمان داریم تقریباً با ۳۰ چهل تا گروه در تماسیم بعد این گروه‌ها کار پشتیبان ما را انجام دادند. گفتیم ما سمت منطقه می‌رویم شما وسایل جمع کنید. در مورد وسایل مورد نیاز هم وقتی تیم شناسایی به منطقه رفت گفت در منطقه فعلاً این وسایل مورد نیاز است. واقعیت هم همین بود مثلاً لباس یک چیز الکی بود که مردم می‌آوردند همه لباس‌ها دور ریخته می‌شد.

پس در واقع همه کمبودهایی که آنجا مردم نیاز دارند یا وسایلی که نیازتان بود تا الان می‌توانیم بگوییم تیم شناسایی پیدا و مطرح کرده بود.

اصلاً به نظرم شناسایی در گروه‌های جهادی حالا چه سیل، زلزله و یا یک اردو باشد، گروه به حرف هیچ‌کس نمی‌تواند اطمینان کند. یعنی به حرف مسئولین و غیره هر بار که بچه‌ها اطمینان کردند ضربه خوردند. گروه جهادی، واقعاً باید جهادی باشد صفر تا صد کار را خودش انجام بدهد، حتی مثلاً مسئولین می‌گفتند شما بیاید ما ۳ تا ماشین مثلاً در اختیار شما می‌گذاریم گروه جهادی که واقعاً گروه جهادی باشد به اون اتکا نمی‌کنه ماشینشم با خودش میبره یا همونجا اجاره می‌کنه.

یکی از مواردی که در زمان بحران به آن توجه نمی‌شود و خود به تنهایی یکی از عوامل اسراف به حساب می‌آید، بحث جمع کردن کمک‌های مردمی است. گروه‌های جهادی که اقدام به این کار می‌کنند، باید به این مورد توجه کنند که یک شناسایی اولیه از وسایل و مواردی که در منطقه به آن نیاز هست را انجام دهند.

اصلاً به نظرم شناسایی در گروه‌های جهادی حالا چه سیل، زلزله و یا یک اردو باشد، گروه به حرف هیچ‌کس نمی‌تواند اطمینان کند. یعنی به حرف مسئولین و... هر بار که بچه‌ها اطمینان کردند ضربه خوردند. گروه جهادی، واقعاً باید جهادی باشد صفر تا صد کار را خودش انجام بدهد.

کمک‌های مردمی را چگونه جمع‌آوری کردید؟

ببینید مثلاً روزی که ما خواستیم حرکت کنیم تیم شناسایی ما گفتند که اینجا فقط گونی، بیل و چکمه نیاز داریم

ما گونی و بیل و چکمه را در صفحه فضای مجازی خودمان فراخوان دادیم. خب اینجا خیلی سریع جور شد و بعد که رفتیم آنجا دیدیم خب الان وضعیت یکم آرام‌تر است و وقتش رسیده که اجناس پخش شود زنگ زدیم جنس‌ها را آوردند.

تیم شناسایی گفته بود فقط گونی و بیل لازمه؟

بله فقط این وسایل را گفته بود ما هم فقط اینارو بردیم. بعد به نظرم میاد تو اینجور مسائل گروه جهادی‌ها نباید احساسی عمل کنند که یک دفعه ایستگاه بزنیم پتو، کنسرو و غیره همه رو جمع بکنیم بعد حالا نیرو نداریم که پخش کنیم. جالبه ما بعد که رسیدیم اونجا همین گروه جهادی‌ها برامون یه سری وسایل فرستادند مثل وسایل بهداشتی، وسایل غذایی و غیره برای پخش کردن رفتیم پیش محلی‌های منطقه و سپاه استان آمار آنجا را درآوردیم. دیدیم که در همه روستاهای آن منطقه اجناس پخش شده و به مقدار زیاد در خانه‌های افراد منطقه مواد غذایی موجود است.

ارتش و هلال‌احمر خیلی قشنگ کار کرده بودند، یعنی واقعا کسی نبود که بگوید چیزی بهش نرسیده مواد غذایی و چادر و غیره بعد وقتی که ما برای پخش کمک‌ها در راه بودیم مشاهده می‌کردیم

یکسری مردم آنجا بودند که اصلاً سیل زده نبودند. روستای اینها را سیل زده بود ولی اینها خونه زندگی خود را رها کرده و آمده بودند لب جاده در یک چادر نشسته بودند تا نیروهایی که برای کمک می آمدند به اینها هم چیزی بدهند. بعد این راننده محلی که همراه ما بود اکثر این افراد را می شناخت و می گفت اینها سیل زده نیستند. از حمیدیه تا شوش ما همه روستاها را رفتیم. بعضی ها یک عزت نفسی داشتند وقتی می رفتیم که وسایل را بهشان بدهیم می گفتند آنقدر پول داریم که نیازی به کمک نداریم، بدهید به افراد ضعیف تر. بعد به یکسری روستاها با قایق سرزدیم، دیدیم که بعضی گروه ها با سختی تمام با قایق برای این افراد غذا می آوردند، و بعد از یکی دو ساعت دیگه یک گروه دیگر می آمد و باز برایشان غذا می آورد و باز مردم غذاها را می گرفتند. وقتی به چادرهایشان سر میزدی می دیدی ۱۰ تا غذا اضافه دارند.

سپس به این نتیجه رسیدیم که وسایل را نگه داریم و اصلاً پخش نکنیم. وسایل را در یک انباری گذاشتیم. تقریباً یک ماه و نیم بعدش ماه رمضان بود گفتیم نگه می داریم آن موقع پخش می کنیم چون دیگه تا اون زمان همه ی وسایلی که اینها گرفتند را خرج کردند و کمک های مردمی هم کمتر به این سمت می آید. وقتی به ماه رمضان رسیدیم چند نفر از رفقا رفتند به منطقه، خب تو این تایم دیگ چه اونی که سیل زده بود و چه آن کسی که سیل زده بود به روستاهایشان رفته بودند و ما رفتیم داخل کمپ ها کمک ها را پخش کردیم.

چگونه در محل حادثه عمل کردید که با دیگر گروه‌های جهادی موازی کاری برایتان رخ نداد.

ببیند در مناطق حادثه دیده گروه‌های جهادی زیادی حضور پیدا می‌کنند که مدیریت کردن این گروه‌ها کاری دشوار است. در این بین همه‌جور تیم و گروه می‌آید. عقیده ما اینه که گروه جهادی یک چیزه مستقله و هیچکس نمیتواند بهش بگوید که الان در منطقه بیا یا شما وارد نشو، هدف همه یکی است و همه به قصد کمک آمدند. مثلا گروهی بودند به نام آفرود بازها که متشکل از چندتا دختر و پسر جوون بودند، اینها برای کمک به یک منطقه‌ای می‌خواستند بروند که ما توی راه آنها را دیدم و گفتیم بهشون که ما تا ته این مسیر رفتیم و فعلا به کمک نیاز ندارند، بعد مسئول گروهشان آمد و از این راهنمایی ما استقبال کرد و نرفتند. یک گروه دیگر آمدند که برای یکی از حوزه‌های بسیج بودند، ما همین پیشنهاد رو بهشون دادیم گفتند نه ما باید حتما برویم، خب بروند دیگه به ما مربوط نیست.

در مواقع بحران یکسری گروه‌ها هستند که به عنوان تیم‌های واکنش سریع در همان لحظات اولیه حادثه در منطقه حضور پیدا می‌کنند. گوش دادن به راهنمایی و نکات این گروه‌ها در منطقه می‌تواند برای گروه‌های دیگر راهگشا باشد.

این موازی کاری بین مذهبیون بیشتر از غیر مذهبیون؟

نمیشه بگیم صددرصد. مثلا یک روز یه نفر آمد و گفت که من امام جماعت یکی از مساجد تهران هستم و از ما خواست که کمکش کنیم که وسایلش را کجا پخش کند. ما بهش پیشنهاد دادیم که فعلا همه به اندازه کافی وسایل دارند، شما وسایل را به ما بده انبار کنیم و سر وقت پخش کنیم که قبول نکرد و گفت من باید به مردم گزارش بدهم

و باید پخش کنم. بعد گفت کجاها پخش کنیم ما پیشنهاد دادیم که بروند داخل کمپ‌ها، چون کسانی که در کمپ‌ها بودند واقعا سیل زده بودند و اینطور نبود که هرکس خواست بیاید آنجا اسکان کند.

یعنی منزلش خراب شده بوده که داخل کمپ آمدند؟

بله مشخص بود. مثلا این فرد برای کجاست، خونه‌اش را چقدر آب گرفته، سطح آب چقدر بوده و غیره

حین عملیات هم کسب اطلاعات داشتید؟

ما زمانی که در منطقه بودیم، دو سه تا از بچه‌ها کارشان این بود که مدام می‌رفتند در قرارگاه‌های سپاه در سوسنگرد، حمیدیه، بستان و اطلاعات موثق را می‌گرفتند. مثلا یک روز یک نفر آمد و گفت بستان را آب گرفته، ولی چون ما اطلاعات دقیق را داشتیم می‌دانستیم که شایعه است. ما مدام این سرزدن به قرارگاه‌ها را انجام می‌دادیم. ما قرار بود سفرمان دوازده روز طول بکشد ولی روز هفتم برگشتیم، چون دیدم که الان نیازی به ماندن نیست و خطر هم به دلیل اینکه هورالعظیم را باز کردند رفع شده و سطح آب داشت کم میشد.

در زمان حادثه، شایعات و خبرهای غیرموثق به طور مرتب در منطقه رد و بدل می‌شود. ارتباط مستمر گروه‌های جهادی با مسئولین و نهادهای معتبر، جلوی برآورد غلط بر اساس اطلاعات نادرست را می‌گیرد.

ملاحظات رفتاری با مردم حادثه دیده منطقه

چیست؟

ببینید گروه‌های جهادی به دلیل اینکه مستمر

دیگر نکته مهمی که متأسفانه در بین افراد جهادی کم به آن توجه می شود، این است که افراد حادثه دیده را محروم تلقی نکنند. این یکی از مهم ترین مواردی است که در بحث ملاحظات رفتاری باید به آن توجه کرد.

در مناطق و روستاهای محروم سروکار دارند، وقتی اتفاقی می افتد و در منطقه می آیند، مردم حادثه دیده را به چشم محروم نگاه می کنند در حالی که اینها محروم نیستند حادثه دیده اند. چه بسا اون آقایی که خانه اش سی میلیون آسیب دیده اندازه سیصد میلیون در بانک پول داشته باشد، یعنی دلیلی نداره که بریم از دم روستا را بسازیم. این خیلی مهم است که نیروهای جهادی به این قضیه دقت کافی را داشته باشند.

گاهی وقت ها هم ترحم بیش از حد طرف مقابل را اذیت می کند، یکسری هم در این مواقع موج سواری و سوءاستفاده می کنند، پس حواس بچه ها باید جمع باشند که احساسات خودشان را کنترل کنند. خب بعضی مردم هم واقعا حادثه دیده اند مثلا داغ عزیز دیده اند یا منزلشان خراب شده، خب با این افراد هم باید یک مدل دیگر برخورد کرد.

شما اخبار منطقه را خبررسانی می کردید؟

اخبار منطقه را نه

ملاحظات امیدآفرینی در منطقه یا در رسانه

چیست؟

در بحث امیدآفرینی، ما به دلیل اینکه در روستاهایی بودیم که خالی از سکنه و کاملاً آب گرفته بود زیاد با این مورد برخوردی نداشتیم. این بیشتر به افرادی صدق می کند که داخل کمپ ها و با مردم درگیر بودند. ما کلاً با بیست تا جوان همان روستا کار داشتیم که برای زدن سیل بند کمک می کردند.

ما شاء الله روحیه‌شان هم از ما بیشتر بود. مثلاً می‌دیدند که آب داره میاد بالا ولی می‌گفتند که هیچی نیست روی آب رو کم می‌کنیم. برعکس به جای اینکه ما بهشون روحیه بدهیم. جوان‌های خوزستان یک جور روحیه مقاومتی در مواجهه با حوادث و بلایا دارند. آنها به ما روحیه می‌دادند.

زمان گروه را در منطقه چگونه مدیریت کردید؟

بله. خب ما توی این حادثه به دلیل اینکه دیدیم حضورمان بیشتر از این لازم نیست سفرمان را کوتاه کردیم، برعکس آن هم هست، ما در حادثه زلزله سریل ذهاب قرار بود ۱۰ روز بمانیم که حضورمان به ۴۰ روز رسید. به نظرم گروه‌های جهادی باید اهتمام ویژه‌ای به بحث مدیریت زمان در منطقه بدهند.

در محل وقوع بلایای طبیعی بیشتر چه نوع نیرو و امکاناتی مورد نیاز است؟

ما در این مورد پیشنهادی به دوستان بسیج سازندگی دادیم که یک تعدادی از گروه‌ها را به طور ویژه به تجهیزات و وسایلی که برای حوادث مختلف مانند سیل یا زلزله تجهیز کنند. به عبارتی این گروه‌ها نیروهای واکنش سریع باشند و سریع به منطقه اعزام شوند.

مثلاً در حادثه سیل به پمپ آب برای خالی کردن آب منطقه خیلی نیاز است. حالا چه مدل پمپی باشد این خیلی مهم است. یک سری گروه‌ها لجنکش و کفکش برقی آورده بودند که اصلاً به درد منطقه نمی‌خورد چون سریع خراب میشد، ما در آن

برهه به کفکش ها و لجنکش های گازوئیلی نیاز داشتیم، حالا با چه دبی، لوله و اینچی باشد خیلی مهم است.

مثلا سیل آق قلا جنسش با سیل سوسنگرد خیلی فرق داشت همینطور سیل پلدختر با سوسنگرد خیلی فرق داشت چرا؟ چون سیل پلدختر همه گلی بود ولی سوسنگرد همه آب تمیز و راکد بود، خانه‌ای که در پلدختر واردش می شدیم خالی از سکنه بود چون پر از گل و لای بود ولی خانه‌ای که در سوسنگرد می رفتیم می دیدیم که آب تمیز است چون می گفتند که این آب سیل نیست آب سد است.

گروهی که می خواهد در بحث سیل کار کند حداقل به ۲۰ هزار گونی، بیل، کلنگ، نخ شیرینی، چکمه و غیره احتیاج دارند. اینها الزامات و ابتدائیات یک گروه است که می خواهد وارد منطقه سیل زده شود.

اگر گروه شما کار خاصی یا فعالیت تخصصی را در منطقه انجام داده، شرح دهید.

کار تخصصی که انجام ندادیم، ولی وقتی که رسیدیم در منطقه با یکی از گروه های قدیمی که از روز اول سیل در منطقه بودند تعامل کردیم و با آنها هماهنگ شدیم. همینطور یک آشپزخانه هم در منطقه ایجاد کردیم که در روز دوم کار دیدم به دلیل پخش زیاد غذا در منطقه و اسراف شدن مواد غذایی آشپزخانه را با آن همه وسایل و امکاناتی که برده بودیم کنسل و جمع آوری کردیم. به نظرم در اینجا

بچه های جهادی باید این جرئت را پیدا کنند که دیدند اگر حتی اول کار به این مدل دلایل رسیدند که کار بیهوده است سریع آن را جمع آوری کنند.

باید به این اشاره کنم که بچه‌های جهادی باید این جرئت را پیدا کنند که دیدند اگر حتی اول کار به این مدل دلایل رسیدند که کار بیهوده است سریع آن را جمع‌آوری کنند.

بعد از بازگشت از منطقه چگونه اقدامات گروه را پیگیری کردید؟

بله ارتباط داشتیم. ببینید در اردوهای جهادی هیچ مرجعی مطمئن‌تر از مردم و اهالی همان منطقه نیست. ما بعد از برگشت با اهالی در ارتباط بودیم که مثلاً آب چه حد آمده پایین، اوضاع شهر بهتر شده و غیره

ما بعد از خوزستان به طرف لرستان برای بحث ساخت‌وساز رهسپار شدیم. چون در خوزستان به منازل و ساختمان‌ها کمتر آسیب‌دیده بود، برای همین رفتیم لرستان. یک نکته مهمی که بهش برخوردیم و خیلی مهم می‌باشد این بود که ما وقتی برای ساخت‌وساز به یک منطقه می‌رویم باید شرایط منطقه را در نظر بگیریم. مثلاً در آنجایی که ما مستقر بودیم دیدیم که خانه‌ها را چسبیده بهم ساخته بودند، حیاط خانه‌ها در حد بیست سی متر بود و غیره در صورتی که اغلب این افراد که منازلشان آسیب‌دیده، کارشان دامداری است و این مقدار حیاط برای نگهداری حیواناتشان بسیار سخت می‌باشد. خب گروه‌هایی که برای ساخت‌وساز می‌روند اگر به این مسئله دقت کنند خیلی خوب است.

گروه‌هایی که برای کارهای عمرانی و ساخت و ساز به منطقه اعزام می‌شوند، باید طبق شرایط محیطی و آب و هوایی منطقه مورد نظر شروع به کار کنند، تا مردم حادثه دیده در خانه‌های ساخته شده به مشکل نخورند و مثل قبل به امرار و معاش بپردازند.

مهم اما مغفول

”مقوله دامپزشکی از جمله موارد حساسی است که متأسفانه بسیاری از مسئولین و مردم هنوز به اهمیت آن توجهی ندارند و آن را در حد آمپول زدن به چند گاو و گوسفند تنزل داده اند. دامپزشکی به طور مستقیم با امنیت غذایی مردم سر و کار دارد و جزئی از سلامت جامعه است، چرا که ۸۰ درصد بیماری دام و انسان مشترک است.“

حساسیت این مسئله خصوصاً در بحران و شرایطی که بلای طبیعی نظیر سیل و زلزله و... رخ می دهد خود را به نحو محسوسی نشان می دهد.

گروه جهادی شهید دکتر افسری در سال ۱۳۹۴ و با هدف ساماندهی و سازماندهی نیروهای جهادی دامپزشکی و از تلفیق چند گروه جهادی شکل گرفت. خدمت رسانی به مناطق محروم و تامین نیروی انسانی و همچنین کار تخصصی و عملیاتی در عرصه دامپزشکی در مواقع بحران های طبیعی از جمله فعالیت های این مجموعه است.

آنچه در ادامه می خوانید تجربه شکل گیری و راه اندازی این گروه جهادی و فعالیت های آن از زبان دکتر سید محمدمسعود احمدی در حوزه های مرتبط است.

در آغاز بحث خواهشمندم گروهتان را معرفی کنید و یک شرحی از نحوه تشکیل و فعالیت هایتان را بیان بفرمایید.

بنده دکتر سید محمدمسعود احمدی دکترای

عمومی دامپزشکی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. گروه ما تحت عنوان مجموعه جهادی شهید دکتر افسری از سال ۱۳۹۴ از تلفیق چند گروه جهادی که در فضای دامپزشکی کار می کردند ایجاد شد و با هدف ساماندهی و سازماندهی نیروهای جهادی دامپزشکی کشور این ادغام صورت گرفت به همین دلیل می گوئیم گروه های ما در دانشگاه های شهرهای مختلف نظیر: سنندج، کرمانشاه، مشهد، تهران، کرج، سمنان و غیره حضور دارند و بنا بر فعالیت ها و کارهایی که هست به اردوها می روند و فعالیت می کنند.

معمولا فعالیت ما یک اردو در عید نوروز و یک اردو در تابستان است. اگر اتفاق دیگری مثل سیل و زلزله رخ بدهد آنجا هم طبق فراخور فضا و اتفاقی که افتاده حضور پیدا می کنیم. در زلزله سرپل ذهاب حدود یک ماه آنجا کار تخصصی دامپزشکی داشتیم. در تمام مناطق سیل زده فعالیت کردیم از گلستان شروع کردیم سپس خوزستان و لرستان. درکل می توانم بگویم یک مجموعه پویا از لحاظ گردش نیروی انسانی داریم. چون ورود نیروها تقریبا از ترم چهار دامپزشکی شروع می شود تا اساتید دانشگاه، که بعضا از آنها استفاده می کنیم.

کار اصلی ما سازماندهی نیروهای انسانی است یعنی گروه های مختلفی که می خواهند در مکان های مختلف کارهای درمانی انجام بدهند به ما مراجعه می کنند و ما هم به آنها نیروی انسانی می دهیم. بقیه کارها مثل بودجه، رفت و آمد و پشتیبانی با خودشان است. ما به خاطر نفوذ و ارتباطاتی که در کشور داریم،

مدیریت نیروی انسانی دامپزشکی چه متخصص و چه دانشجو را در کشور برعهده گرفتیم و تا الان هم شکر خدا توانستیم از پس کارها بریاییم.

فعالیت‌های ما از بحث درمانی شروع شد مثل پزشکی و دندان پزشکی دام مریض که دکتر عمومی یا متخصص ویزیت می‌کند سپس نسخه یا دارو می‌دهد. بعد آمدم فراتر عمل کردیم و بحث ترویج و آموزش را راه‌اندازی کردیم و در مناطقی که می‌رفتیم کلاس برگزار می‌کردیم. هر دانشجویی بنا به کششی که داشت در رابطه با یک مطلب پاورپوینتی آماده می‌کرد سپس در مناطقی که تجمع مردم بود مثل مساجد و حسینیه‌ها ارائه می‌دادیم.

حضور گروه‌های جهادی در مناطق مختلف جهت رفع محرومیت یقیناً مثمر ثمر است. اما شرایط زمانی بهتر می‌شود که اهالی منطقه محروم خود قدمی در راستای حل مشکلات بردارند و اصطلاحاً ماهیگیری یاد بگیرند.

آموزش و ترغیب مردم این مناطق به اموری چون بازسازی و رفع مشکلات عمرانی، مطالبه‌گری از مسئولین و با رعایت ملاحظات آن، بسیار اثربخش خواهد بود.

بعد از انجام این کارها کمی از بیرون به این مسائل نگاه انداختیم و به بحث مطالبه‌گری رسیدیم که شروعهش را چند سال پیش در لرستان زدند و ما در کردستان پیگیری کردیم. برای مثال وقتی وارد یک منطقه می‌شویم به مردم می‌گوییم نهادهای دولتی، سازمان دامپزشکی، محیط‌زیست، جهاد کشاورزی و غیره این وظایف را در قبال شما دارند و باید این کارها را انجام بدهند اگر نمی‌دهند مقصر شما نیستید که مطالبه نمی‌کنید و آنها هم وقتی از شما درخواستی نمی‌کنند.

مثلاً در شهر بانه استان کردستان یک بیماری بسیار کشنده مشاهده کردیم (طاعون نشخوارکنندگان کوچک) یک بیماری مهلک و خطرناکی هست که دام را می‌کشد. یک نامه تنظیم کردیم خدمت

شبکه دامپزشکی و اداره کل کردستان که همچنین بیماری هست و اقدامات لازم را انجام بدهید و به مردم هم اطلاع بدهید سپس مردم را فرستادیم دنبال دولتی‌ها. ادارات دولتی در برابر ما موضع گرفتند که اینها دروغ است، ما که از منطقه خارج شدیم عکس‌هایش رسید که خود مدیرکل در منطقه در حال واکسن زدن بود. ما به لطف خدا و کمک مردم توانستیم چنین کاری انجام بدهیم.

الان در این سه مرحله مشغول فعالیت هستیم. استان‌های خوزستان و خراسان شمالی و چند جای دیگر هم در بحث مطالبه‌گری وارد شدند. در این سه بحث ورود کردیم و قضیه مطالبه‌گری رسید به حضور بچه‌های همین گروه در سازمان اداره استخدامی برای ارزیابی عملکرد دوایر دولتی و توانستند اداره دامپزشکی را به خاطر همین مسائل محکوم کنند. کار خیلی خوبی انجام شد، خود بچه‌های اداره استخدامی خوششان آمد که ما توانستیم چنین کاری آنجا انجام بدهیم. به صورت جزء و کل حوزه فعالیت ما در همین سه محور درمان، ترویج و مطالبه‌گری است.

بابت حضور بعد از حادثه، نکته‌ای به همه گروه‌های جهادی که بعد از این مصاحبه متوجه این موضوع می‌شوند متذکر می‌شویم، ما در جریان زلزله کرمانشاه اقداماتی که کردیم این بود که همان ابتدای امر یک گروه تخصصی را وارد عمل کردیم و چوبش را هم خوردیم. چرا که در روزها و هفته اول حادثه مردم دغدغه مسکن دارند نه اینکه تعدادی از دام‌هایشان مریض است یا تلفات دادند. این شوک

پس از حوادث طبیعی، متأسفانه خسارات مادی و تلفات انسانی به صورت همزمان مردم آسیب‌دیده را دچار مشکل می‌نماید. اما از دست دادن عزیزان در درجه اول و از دادن مسکن و وسائل اولیه زندگی در درجه‌ی دوم، دغدغه اصلی مردم منطقه خواهد بود. لذا پرداختن به اموری همچون دام مردم، تحصیل و یا مواردی از این دست ملاحظات خویش را دارد. مثلاً طبق این تجربه مردم در روزهای اول دغدغه دام ندارند و گروه‌های تخصصی روزهای اول را می‌توانند صرف شناسایی کنند که امری بسیار حیاتی خواهد بود.

باعث شد ما نتوانیم به آن صورتی که باید و شاید کارمان را انجام بدهیم کارمان را همان لحظه‌های اول تغییر دادیم به این که فقط برویم مناطق را شناسایی کنیم.

یادم است چیزی حدود صد روستا شناسایی کردیم و از بین آنها تعدادی را مشخص و در طی ماه‌های آینده در شش مرحله به منطقه اعزام شدیم. اول حادثه نیاز نیست گروه‌های دامپزشکی وارد عمل بشوند.

در حادثه سیل ما این کار را انجام دادیم و نتایج مطلوبی هم داشتیم، در بحث سیل باید بگذاریم اول آب از آسیاب بیفتد و وقتی که شیوع بیماری ممکن است آغاز شود به مرحله بهداشت و شناسایی برویم. اولین نکته‌ای که برای هر اردویی داریم این است که یک شناسایی خوب انجام بشود و شعار ما این است است که هرچه عرق بیشتری در شناسایی بریزیم اعصاب خردی کمتری در اردو خواهیم داشت، حتی شده یک هفته در منطقه ماندیم و شناسایی‌های

خیلی خوبی انجام دادیم. شناسایی ما دوگونه است: یک بخش اداری دارد که با سپاه و بسیج دانشجویی آنجا هماهنگ می‌کنیم، دوم با اداراتی که مرتبط به ما هستند مثل جهاد کشاورزی، محیط زیست، سازمان دامپزشکی و غیره هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهیم و نتیجه این می‌شود که بعضی اوقات در بحث حمل و نقل جاده‌ای و اسکان و غذا به ما کمک می‌کنند، البته این کمک‌ها بیشتر از طرف سپاه و بسیج بوده نه ادارات دولتی.

شناسایی ما دوگونه است: یک بخش اداری دارد که با سپاه و بسیج دانشجویی آنجا هماهنگ می‌کنیم دوم با اداراتی که مرتبط به ما هستند مثل جهاد کشاورزی، محیط زیست، سازمان دامپزشکی و... هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهیم و نتیجه این می‌شود که بعضی اوقات در بحث حمل و نقل جاده‌ای و اسکان و غذا به ما کمک می‌کنند.

بعد از این مرحله وارد بخش شناسایی روستایی می‌شویم، لیست دهیاران را از بخشدار می‌گیریم و با همه آنها تماس می‌گیریم و یکسری اطلاعات از تعداد و شرایط دام‌های آنجا می‌گیریم باتوجه به شناسایی میدانی که در خود روستا انجام می‌دهیم یک برآوردی می‌کنیم که الان این روستا از نظر ما در رتبه‌ای است که محروم باشد؟ دوما رتبه‌ای است که آسیب دیده باشد؟ چون لحظه‌ای که می‌آییم گاهی چیزی حدود سه تن دارو وارد روستا می‌شود و این عدد قابل توجهی نسبت به خدماتی که در روستا می‌شود هست.

اعتقادمان این است که وقت یک متخصص یا دانشجو را به‌خاطر شناسایی بدی که کردیم نگیریم. بعد از تمام شدن شناسایی، طی جلساتی که در تهران برگزار می‌کنیم به نتایجی می‌رسیم که برویم یا نه. باتوجه به تصمیمی که می‌گیریم، در فضای مجازی تبلیغاتی را در گروه‌های تلگرام و اینستاگرام و بله انجام می‌دهیم. باتوجه به نفرتی که داریم معمولا نفرات حاضر برای اعزام حدود ۵۰ نفر می‌شوند، ولی چیزی که از آن انتخاب می‌شود باید پانزده نفر باشد یعنی بیشتر از این تعداد جایز نمی‌دانیم در منطقه حضور یابند.

هرکدام از این گروه‌ها شامل سه تیم می‌شود و هر تیم هم چهار بخش دارد: درمانگر، دستیار، داروخانه و پشتیبانی. هر تیم یک درمانگر دارد، براساس قانون کار می‌کنیم یعنی اگر روزی دام بیمار تلف شد توسط درمانگری که درس خوانده و کارت نظام پزشکی و پروانه کسب دارد و می‌تواند بیمه

مسئولیت مدنی اجتماعی بگیرد این اتفاق افتاده. هر خسارتی که اتفاق بیفتد بیمه مسئولش است.

در قسمت درمانگر حتما باید فرد، دکترا، پزشک فارغ التحصیل یا حداقل متخصص یا استاد باشد در این رده اصلا دانشجو قبول نمی‌کنیم. از بخش دستیار به بعد دانشجو تکنسین و چیزهای دیگر تاکنون پذیرفتیم و کار خاصی هم انجام نمی‌دهند. همه هم تحت نظارت متخصص هستند و تا الان هم خدا را شکر مشکلی پیش نیامده. به علت اینکه پشتیبانی لجستیکی، دارویی و تغذیه ما گران است، اردوهای ما از لحاظ هزینه‌ای بسیار سنگین است. به همین دلیل توصیه می‌کنم اگر کاری قرار است انجام بشود با کیفیت باشد. تعداد کار مهم نیست کیفیت کار مهم است به همین دلیل است ما قبلا هر ماه یک اردو داشتیم الان با توجه به تجربیات چند ساله به دو اردو در سال بسنده کردیم.

گروه‌هایی که به طور تخصصی کاری را انجام می‌دهند به این مورد توجه داشته باشند که کیفیت کار آنها اهمیت بیشتری دارد و کیفیت را نباید فدای کمیت کنند.

هزینه‌های اردو چگونه تامین می‌شوند؟

مقداری دارو را از طریق سازمان بسیج تامین می‌کنیم که این حجمش خیلی کم است. ما امسال توانستیم مقداری از کمک‌ها را از طریق خیرین و مساجد جمع‌آوری کنیم. اگر بتوانیم به مساجد برویم و برای مردم کارهایی که برای دام‌ها می‌کنیم را توضیح دهیم که چگونه به صورت مستقیم به زندگی و معیشت اهالی آن منطقه بستگی دارد می‌توانیم کمک‌های خوبی را جمع‌آوری کنیم. بیش از ۵۰ درصد مناطق سیل‌زده و زلزله‌زده دام دارند، بعضی از مردم دام‌هایشان را از دست داده‌اند، اگر

یکی از پیشنهادهای مهم برای پشتیبانی از انجام کارهای تخصصی مثل دامپزشکی آشنایی مردم عامه با کاری که انجام می‌شود است. اینکه عام مردم متوجه بشوند کارهای یک گروه تخصصی جهادی نیز چه میزان در زندگی مردم و پیشرفت کشور نقش دارد، یقیناً در حمایت از گروه جهادی بسیار موثر است.

بتوانیم باقیمانده آنها را حفظ و سپس تولیدمثل کنند کار و زندگی طرف را به او هدیه دادیم.

از چه طریقی اطمینان پیدا کردید که در منطقه حضور پیدا کنید؟

در بحث سیل ما دو هفته بعد از حادثه به منطقه رسیدیم، طبق تجربه‌ای که در سرپل ذهاب داشتیم گفتیم شرایط کمی برای حضور ما مناسب‌تر بشود تا بتوانیم راحت‌تر ویزیت کنیم و دارو بدهیم. به همین دلیل ما بر اساس شناخت و تجربه‌ای که در حوادث غیرمترقبه داریم می‌گذاریم کمی زمان بگذرد تا فضا آماده شود.

معمولا هماهنگی‌های لازم برای اعزام را از طریق بسیج سازندگی انجام می‌دهیم و آنها هم ما را به سپاه استان مقصد وصل می‌کنند. ماهم در منطقه سعی می‌کنیم با همه ارگان‌ها مثل سپاه، ارتش، هلال احمر و غیره همکاری داشته باشیم و خود را محدود به یک سازمان نمی‌دانیم.

از چه روش‌هایی برای فراخوان نیرو استفاده کردید؟

یکی اینکه باید اعتمادسازی انجام شود گروه‌هایی داریم که کیفیتشان کم یا زیاد است. یک گروه اگر کیفیتش خوب باشد هرکسی وارد دانشکده می‌شود جذب آن گروه می‌شود. تا حدودی این کیفیت ایجاد شده که همه بیایند سمت مجموعه شهید افسری.

بیش از ۵۰ درصد مناطق سیل زده و زلزله زده دامر دارند، بعضی از مردم دامر هایشان را از دست داده اند، اگر بتوانیم باقیمانده آنها را حفظ و سپس تولید مثل کنند کار و زندگی طرف را به او هدیه دادیم.

اعتمادسازی در کارهای تخصصی موجب می‌شود که افراد بیشتری جذب گروه مربوطه شوند. یکی از مدل‌های جذب نیرو همین است.

یک فوت کوزه گری خدمت دوستان بگویم این است که، اگر یک متخصص و یا استادی را می خواهند به اردو دعوت کنند حتما خودشان تماس بگیرند و از ایشان درخواست کنند، این کار باعث می شود شخصیت طرف حفظ شود. خب هرکس روش خاص خودش را دارد. یک موقع کسی ترم اول است با یک پیامک هم می آید. یک رفیقی داریم اهل کرمانشاه هر موقع برنامه ای پیش بیاید خودش زنگ می زند که چرا به من نگفتید بیایم، ولی یک متخصص خیلی فرق می کند. کمی کلاس کارش بالاست.

دیگری بخش رسانه هاست، حال می تواند از طریق فضای مجازی باشد و یا دادن پیامک به افراد یک فوت کوزه گری خدمت دوستان بگویم این است که، اگر یک متخصص و یا استادی را می خواهند به اردو دعوت کنند حتما خودشان تماس بگیرند و از ایشان درخواست کنند، این کار باعث می شود شخصیت طرف حفظ شود. خب هرکس روش خاص خودش را دارد. یک موقع کسی ترم اول است با یک پیامک هم می آید. یک رفیقی داریم اهل کرمانشاه هر موقع برنامه ای پیش بیاید خودش زنگ می زند که چرا به من نگفتید بیایم، ولی یک متخصص خیلی فرق می کند. کمی کلاس کارش بالاست.

بعد از فراخوان نیروها را چگونه به محل حادثه رساندید؟

بستگی دارد اکثر اردوها از طریق اتوبوس و قطار است بعضی از اردوها که وابسته به جاهای دیگر است با هواپیما هم بوده. بودجه را سازمان می دهد.

لوازم مورد نیاز در محل حادثه را چطور تامین می کنید؟

یکسری اولویت ها داریم، اولین اولویت یک دامپزشک این است که باید راننده بیابان باشد یعنی بتواند خودش را سریع از جایی به جای دیگر برود کار ما طوری است که نمی توانیم یک جا بایستیم.

پس اولین اولویت ما وسیله نقلیه است. هر گروه دامپزشکی باید بتواند با ریزنی با بخش های دولتی،

پس اولین اولویت مان وسیله نقلیه است. هر گروه دامپزشکی باید بتواند با ریزنی با بخش های دولتی، سپاه و... یک وسیله نقلیه داخل محدوده ای که می خواهد فعالیت کند داشته باشد. دومین اولویت بحث تغذیه و اسکان است.

سپاه و غیره یک وسیله نقلیه داخل محدوده‌ای که می‌خواهد فعالیت کند داشته باشد. دومین اولویت بحث تغذیه و اسکان است. از لحاظ کاری اگر بخواهیم حساب کنیم دوستان دیگر شاید زیر سقف باشند و جراحی بکنند ولی ما معمولاً در جاهایی هستیم که فضا باز است. مشکلات آفتاب سوختگی و تنفسی باعث می‌شود انرژی بچه‌ها کم بشود. همیشه در اردوها در روز سوم یا چهارم ممکن است یکی از بچه‌ها زیر سرم برود واقعا کار سختی است. بچه‌ها ۶ صبح از خواب بیدار می‌شوند از ۸ صبح تا ۸ شب یکسره بیرون هستند فقط یک استراحت در بحث ناهار و نماز دارند. خبر در این شرایط تغذیه و محل استراحت بچه‌ها باید مرتب و از قبل هماهنگی شده باشد، که اینها را انجام می‌دهیم.

اولویت سوم بحث پشتیبانی عملیاتی امنیتی است. بعضی اوقات به مناطق صفر مرزی نظیر کردستان و کرمانشاه و غیره سفر می‌کنیم. معمولاً غرب کشور دام زیاد دارند و هم اکثراً مناطق محروم هستند. این مناطق معمولاً از نظر امنیتی ممکن است مشکل داشته باشند، ما با سپاه آنجا مشورت می‌کنیم که اگر مشکلی بود برای ما تامین بفرستند. تا الان خدا را شکر مشکلی نبوده و براساس نیاز کمک هم کردند.

چیزهای دیگر هم هست از قبیل: دارو، تجهیزات برقی مثل پرژکتور و غیره که آنها را هم از قبل تهیه می‌کنیم. یکسری درخواست‌هایی هم داریم که هیچ‌وقت پیگیری نشد. مثل آمبولانس دامپزشکی که یکی از ارگان‌ها آن را طراحی و در اختیار دارد

گروه جهادی منتظر رسیدن امکانات نمی‌ماند، امکانات را پیدا می‌کند

ولی به ما نمی دهند و دارد خاک می خورد. خدا را شکر با یک تدبیر توانستیم این ها را جور کنیم ولی درست نیست که ما اینها را بخریم، وقتی جایی دارد و ما می توانیم از آن قرض کنیم و بعد از استفاده هم پس بدهیم. الان داریم از پول شخصی این آمبولانس را درست می کنیم. یک گروه جهادی دیگر دارد این کار را انجام می دهد و ما شرمند آن گروه هستیم.

چگونه در محل حادثه عمل کردید که با دیگر گروه های حاضر در منطقه موازی کاری رخ ندهد؟

ما به دلیل اینکه در همه جای کشور نیرو داریم، کم پیش می آید که گروه دیگری در منطقه باشد و ما هم در همان منطقه کاردرمانی کنیم. توصیه ما این است که گروه ها حتما با بسیج سازندگی آن استان هماهنگی انجام دهد.

اگر گروهی بدون هماهنگی وارد منطقه شده و کارهای درمانی و واکسن زدن را انجام داده وبعد از مدتی گروهی دیگر وارد منطقه و اگر همان کارهای گروه قبلی را انجام دهد، این موجب مسمومیت دارویی و تلف شدن دام ها می شود. این کار سبب می شود که مردم آن منطقه اعتمادشان نسبت به گروه های جهادی سلب می شود.

اگر گروهی بدون هماهنگی وارد منطقه شده و کارهای درمانی و واکسن زدن را انجام داده و بعد از مدتی گروهی دیگر وارد منطقه و اگر همان کارهای گروه قبلی را انجام دهد، این موجب مسمومیت دارویی و تلف شدن دام ها می شود. این کار سبب می شود که مردم آن منطقه اعتمادشان نسبت به گروه های جهادی سلب می شود.

گروه ها یک شناسایی اولیه انجام دهند که اگر آن فعالیتی که می خواهند انجام دهند نمونه اش را اهالی همان منطقه دارند انجام می دهند، بهتر است با تعامل کار را به سوی اهالی آنجا سوق دهد تا باعث اشتغال زایی بشود.

موازی کاری فقط با گروه های جهادی نیست. بعضی دامپزشکان هستند که در بخش خصوصی و در بعضی مناطق خدمت می کنند و بازار کار دارند، ما باید به آنها توجه کنیم. معمولا جاهایی برویم که دامپزشکی نیست. امسال در کرمانشاه جایی رفتیم که تا حالا اداره دامپزشکی وارد عمل نشده

بود ولی یک داروخانه کوچک دامپزشکی در یکی از شهرهای نزدیک داشتند. اولین فکری که متصدی آن داروخانه کرد این بود که ما آمدم بازار کارش را بگیریم و برایش مشکل درست کنیم. با مشورت متخصصین امر به نتیجه رسیدیم که اینجا دارو کمتر توزیع کنیم یعنی برایشان نسخه نویسی کنیم ولی دارو رایگان در اختیارشان نگذاریم و بگوییم که بروند از آن داروخانه مدنظرمان دارو بگیرند. با این کار هم نظر صاحب داروخانه عوض شد و هم اینکه یک اشتغال زایی در منطقه انجام دادیم و اهالی آنجا گردش مالی آن منطقه را انجام دادند.

پیشنهاد ما برای گروه‌های جهادی که تازه تاسیس هستند و اول کار پولی برای هزینه کردن ندارند این است که این کار را بکنند خیلی به صرفه است. که پول ندارند هزینه‌های کمتری می‌خواهند خرج کنند پیشنهاد می‌دهیم که این کار را بکنند خیلی به صرفه تر است.

اخبار و رویدادهای منطقه را چگونه رسانه‌ای کردید؟

اعتقاد ما این است که حتما باید کار رسانه‌ای صورت بگیرد تا مردم ببینند کار دامپزشکی و دامداری و آن چیزی که در فکرشان است نیست و آشنا بشوند و ببینند کسانی هستند که متخصص‌اند و هفته‌ای سه چهار میلیون درآمد دارند، ولی از کارشان می‌زنند و می‌آیند تا به مردم محروم خدمت کنند. مردم وقتی این کارها را ببینند اعتماد می‌کنند و پای کار می‌آیند.

فعالیت رسانه ای سبب می شود که مردم با کارها و موضوعاتی که توسط گروه های جهادی در مناطق محروم انجام می شود آشنا و نوع نگاهشان تغییر پیدا کند.

اگر سخنی از قلم افتاده بفرمایید.

کار با قدرت و تلاش دوستان در حال انجام است و به حمایت نیاز داریم. از گروه چهارنفره رسیدیم به جایی که نمایندگان به اداره استخدامی می‌رود.

متأسفانه بعضی از مسئولین و مردم هنوز به این اعتقاد نرسیده‌اند که دامپزشکی مستقیم با امنیت غذایی مردم سروکار دارد، دامپزشکی را در حد آمپول‌زدن به چند گاو و گوسفند پایین آوردند. مردم باید بدانند که ۸۰ درصد بیماری‌های دام و انسان مشترک است و به بحث بهداشت غذایی مربوط می‌شود. جامعه هنوز به این نتیجه نرسیده که دامپزشکی جزئی از جامعه سلامت است.

ما مناطقی را شناسایی کردیم که می‌توانیم روی آن کار کنیم و گوشت ایران را تامین کنیم، ولی رها شده و درگیر مسئله زمین خواری است. از کنار گروه ما گروه‌های دیگری هم به وجود آمدند و در مجموعه خودشان در شهرستان‌ها فعالیت دارند.

در آخر از مسئولین تقاضا دارم اگر وسایل و امکانات را تامین نمی‌کنند دیگر سنگ‌اندازی نکنند.

ما مناطقی را شناسایی کردیم که می‌توانیم روی آن کار کنیم و گوشت ایران را تامین کنیم، ولی رها شده و درگیر مسئله زمین خواری است

تجربه درمان در بحران

در حوادثی مثل زلزله که زمان بسیار غنیمت است، حضور تیم‌های پزشکی و واکنش سریع بسیار مهم است. گروه جهادی منتظران ظهور در جریان زلزله سریل ذهاب و سیل پلدختر خدمات تجربیات ارزنده ای داشتند.

در خدمت آقای عادل هستیم، مسئول این گروه و از ایشان خواهشمندیم که تجربیات و نقطه نظرات خود را در این باره با ما به اشتراک بگذارند.

بنده مسئول گروه جهادی منتظران ظهور هستم. نزدیک ۱۰ سال است که در زمینه خدمات درمانی در مناطق محروم فعالیت داریم. شروع اولیه کارمان هم با خدمات دندانپزشکی بود. در حال حاضر گروه پیشرفت کرده و در زمینه‌های دیگر مثل کارهای عمرانی، فرهنگی و غیره هم ورود پیدا کردیم.

گروه ما در زلزله سریل ذهاب در جمع آوری کمک‌های مردمی و اعزام تیم پزشکی و جمع کردن دارو فعال بود، همینطور در تامین کانکس برای اهالی آنجا اقدام کردیم. سپس در بهار امسال در استان‌های درگیر سیل مثل: خراسان شمالی سپس گلستان و لرستان و خوزستان فعال بودیم.

در حوادثی مثل زلزله که زمان بسیار غنیمت است، حضور تیم‌های پزشکی و واکنش سریع

مهم‌تر است تا مثلاً حضور تیم دندانپزشکی. در این حوادث به افرادی نیاز است که کارهای کمک‌های اولیه و احیا را بلد باشند مثلاً فردی که شکستگی دارد و یا به ستون فقراتش آسیب وارد شده نیاز به کارهای اولیه پزشکی دارد که بیشتر از این به مشکلاتش اضافه نشود، ما هم طبق همین، نیروهای خود را وارد منطقه کردیم.

پیشنهاد ما به گروه‌های جهادی پزشکی این است که با هماهنگی ستاد، پزشکان خود را به مناطق روستایی و کمتر برخوردار اعزام کنند چون در این مواقع افراد زیادی از مشکلاتی که برایشان رخ داده خبر ندارند، مثلاً طرف سرش ضربه خورده و دردی ندارد ولی شاید یک لخته خونی در سرش وجود داشته باشد که بعداً متوجه شود. در اینجا حضور پزشک می‌تواند جلوی این حوادث را بگیرد.

در زمان بروز حوادث طبیعی، حضور تیم‌های پزشکی در مناطق کم‌برخوردار مهم‌تر خواهد بود، اما این نکته باید با رعایت موضوع هماهنگی با ستادهای مرکزی و هماهنگ‌کننده باشد.

مشکلات دیگری که در حوادثی مثل سیل و زلزله رخ می‌دهد بیماری‌های گوارشی است. خب در این حوادث آب منطقه به مشکل می‌خورد و همین‌طور اهالی آنجا در چند روز اولیه غذای گرم برای خوردن ندارند و مجبورند از کنسرو استفاده کنند. این کنسرو خوردن‌ها حدی دارد و اگر بیشتر از چند روز استفاده شود مشکلات گوارشی را برای فرد در بر می‌گیرد که کمتر به این مشکل پرداخته می‌شود.

همین‌طور اهالی آنجا در چند روز اولیه غذای گرم برای خوردن ندارند و مجبورند از کنسرو استفاده کنند. این کنسرو خوردن‌ها حدی دارد و اگر بیشتر از چند روز استفاده شود مشکلات گوارشی را برای فرد در بر می‌گیرد که کمتر به این مشکل پرداخته می‌شود.

این تجربه‌ای از حضور اول ما در سرپل ذهاب

بود.

در حضور دوم خود، خب مقداری از ایام حادثه گذشته بود و منطقه و اهالی اوضاعشان آرام شده بود، ما در این برهه به منطقه رفتیم و به طور تخصصی به فعالیت‌هایی نظیر: دندانپزشکی، ویزیت پزشک عمومی، زنان و زایمان و غیره پرداختیم

سپس حادثه سیل رخ داد و به سوی شهر پلدختر رهسپار شدیم. سیل که می‌آید بیشتر بیماری‌هایی شایع می‌شود که مرتبط با آب است مثل وبا، حصبه و بیماری‌های عفونی و گوارشی و به دلیل ناآگاهی مردم اکثراً به این مدل بیماری‌ها مبتلا شده بودند. مشکلات دیگری هم بود مثل بیماری‌های پوستی، عفونی و قارچی که به دلیل ورود شبکه فاضلاب به آب شهری رخ داده بود. در سیل خداروشکر شکستگی و اینجور مشکلات نیست و یا خیلی کمتر است. در بحث خوراک در بالا اشاره کردم که در زلزله سرپل ذهاب مردم از کنسروها استفاده می‌کردند که باعث مشکلاتی شد، ولی در سیل این اتفاق نیفتاد و دلیلش هم حضور موکب‌های اربعین بود که با برپایی آشپزخانه‌هایی غذای گرم به مردم می‌دادند.

در مورد بحث اسکان هم به دلیل اینکه گروه ما قدیمی است و اکثراً ما را می‌شناسند مشکلی برای ما ایجاد نشد. مثلاً در حادثه

زلزله با حاج حسین یکتا هماهنگ شدیم و به ما جا دادند و در حادثه سیل به صورت گردشی در مناطق مختلف رفته و کمک می کردیم. پیشنهاد من به گروه‌های پزشکی این است که تا حد امکان وسایل و مواردی که به آن نیاز دارند را خودشان تهیه و داشته باشند تا در منطقه به مشکل نخورند. چون متأسفانه به دلیل ضعفی که در سیستم بحران کشور داریم، دستگاه‌های متولی در اینجور مواقع بسیار سرشان شلوغ است و ضعف مدیریتی دارند.

اولویت نخست گروه‌های جهادی و دانشجویی باید هماهنگی‌های اولیه و تهیه وسایل و امکانات مورد نظری که به آن‌ها نیاز دارند باشد تا در منطقه به مشکل نخورند.

مثلاً در شبی که حادثه زلزله رخ داد، بنده ۱۰ سال سابقه کارهای جهادی منتظر بودم تا یکی از ارگان‌ها و دستگاه‌های متولی با بنده تماس بگیرد و بگوید نیروهایتان را بیاورید تا هم‌فکری کنیم و سپس اعزام کنیم که متأسفانه این اتفاق به دلیل همان نکته‌ای که در بالا به آن اشاره کردم رخ نداد و ما با هم‌فکری که با اعضای خودمان داشتیم با هماهنگی‌های لازم به منطقه اعزام شدیم.

یکی از بزرگترین مشکلاتی که گروه‌های جهادی پزشکی دارد، این است که متولی و اتحاد خاصی ندارند. هر گروهی کار خودش را می‌کند و اصلاً باهم هماهنگی ندارند. یعنی گروه‌های پزشکی نمی‌توانند باهم یک جا بنشینند، این خودش یک آفت است. بنده به شخصی خیلی پیگیر حل این مشکل بودم که تا الان متأسفانه به نتیجه مورد نظر

نرسیدیم. اگر این اتحاد شکل بگیرد تحول بزرگی در امر خدمت‌رسانی در باب درمانی و پزشکی رخ می‌دهد و مهم‌تر از همه اینها، این اتفاق جلوی موازی‌کاری بین گروه‌ها را هم می‌گیرد، چون خیلی پیش آمده که به خاطر این عدم اتحاد گروهی به منطقه‌ای می‌رود و فعالیت می‌کند و چند روز بعد گروه بعدی می‌رود و چون اطلاع ندارد همان کاره گروه قبلی را انجام می‌دهد. امیدوارم به زودی این اتحاد و هم‌دلی رخ دهد.

انشاءالله توضیحات کامل و کافی بوده باشد.

تجربه ثبت تجربه و مدیریت دانش

اعتمادسازی در بین مسئولین منطقه ای و پای کار آوردن آنها از اقدامات مهمی است که هر گروه جهادی باید به آن توجه داشته باشد تا بتواند روند خدمت رسانی و محرومیت زدایی را تسهیل کند. مدیریت دانش از جمله مقدمات این کار است. آقای شریفی مسئول گروه جهادی رهیویان شهید ابراهیم هادی در این زمینه نکات مهم و ارزنده ای را که حاصل سال ها تجربه فعالیت است برای ما بیان می کنند.

از ایشان می خواهیم که ضمن معرفی گروهی جهادی خود و سابقه فعالیت ها، نکات ارزشمند خود را بیان نمایند.

سلمان شریفی هستم مسئول گروه جهادی رهیویان شهید ابراهیم هادی که از سال ۱۳۸۴ تا الان در مناطق محروم اقدام به فعالیت کردیم. از لردگان شهرکرد تا هویزه خوزستان و نورآباد لرستان و الان هم به طور ویژه به مدت سه سال هست که در مناطق زلزله زده و سیل زده فعالیت داریم. اهم فعالیت هایی که در این مناطق داشتیم می توان به اهدا ۲۶۰۰ کانکس در مناطق زلزله زده اشاره کرد و همینطور در مناطق سیل زده هم از فروردین ۹۸ تا اواخر شهریور ۹۸ حضور مداوم داشتیم و حدود ۱۱۰ خانه را مرمت و ترمیم کرده تحویل دادیم و ۴۲ سری جهیزیه شامل ۲۵ قلم جنس ایرانی را تحویل این افراد و کسانی که در سیل وسایل خانه شان از بین رفته بود تقدیم کردیم.

با توجه به این سوابق و فعالیت‌هایی که داشتیم یک امر مهمی که در کارهای ما به آن توجه ویژه‌ای داشتیم و کمک کننده ما تا الان بوده، بحث ساخت مستند است. مستندی که زیبا و شکیل باشد و خلاصه‌ای از فعالیت‌هایی که در آن زمان و مکان مشخص انجام داده‌ای در آن ثبت شود. این کار سبب می‌شود که هم فعالیت‌های خود را به صورت تصویری دارید و هم با نشان دادن آن به مسئولین به عنوان گزارش کار می‌توان طلب کمک و یاری در ابعاد مادی و معنوی از این عزیزان کرد و این یک رزومه برای گروه می‌شود. در اینجا تاکید می‌کنم که گزارش کار حتماً تصویری باشد، چون اگر نوشتاری باشد مسئولین وقت لازم را برای مطالعه آن نمی‌دهند.

مستندسازی فعالیت‌ها از جمله ضعف‌های مجموعه‌های جهادست... غافل از اینکه مستندسازی علاوه بر اینکه نگاه‌ها را به گروه‌های جهادی واقعی می‌کند و خدمات گروه را نمایان می‌سازد، در تعامل با مسئولین و جلب حمایت‌ها بسیار راهگشا خواهد بود.

اگر گروه‌های جهادی این کار را بکنند، زمانی که می‌خواهند وارد منطقه‌ای شوند، با نشان دادن مستندی از کارهایی که تا قبل از آن انجام دادند به فرماندار، بخشدار، امام جمعه و فرمانده سپاه آن محل نوعی جلب اعتماد کنند و این کار سبب می‌شود که مسئولین (در اینجا باید به این نکته مهم اشاره کنم که مسئولین گروه‌ها یک شناخت کلی از مسئولین محل موردنظر اعم از نماینده مجلس، فرماندار و غیره داشته باشند و بدانند که نفوذ و همکاری کدام یک بهتر است، سپس با آن شخص کارها را هماهنگ کنند) آن منطقه به طور ویژه‌تری به آن گروه وسایل و امکانات لازم را بدهند. نکته مهم‌تر اینکه، با این کار وجهه و سابقه خوبی از گروه‌های جهادی در ذهن اهالی آن جا ثبت می‌شود.

نکته دیگری که بنده به عنوان مسئول گروه آن را رعایت می‌کنم، این است که هر فعالیتی که در شهرها و روستاها داریم، مثلاً در پلدختر ۱۰۰ خانه ساختیم زمانی که کار به آن مستندسازی و گزارش مسئولین آنجا مثل فرماندار، امام جمعه و... را دعوت می‌کنیم تا به طور حضوری در مراسم افتتاح آن خانه‌ها شرکت کنند و همینطور نحوه کار را از نزدیک مشاهده کنند

نکته دیگری که بنده به عنوان مسئول گروه آن را رعایت می‌کنم، این است که هر فعالیتی که در شهرها و روستاها داریم، مثلاً در پلدختر ۱۰۰ خانه ساختیم زمانی که کار به اتمام می‌رسد در کنار آن مستندسازی و گزارش کاری که تهیه می‌کنیم، مسئولین آنجا مثل فرماندار، امام جمعه و غیره را دعوت می‌کنیم تا به طور حضوری در مراسم افتتاح آن خانه‌ها شرکت کنند و همینطور نحوه کار را از نزدیک مشاهده کنند. این امر سبب اعتمادسازی بین مسئولین محلی و اهالی با گروه‌های جهادی می‌شود.

مثالی در باب اعتمادسازی اگر بخواهم برایتان بزنم، بنده برای گزارش کاری به وزارت نفت مراجعه کردم و با یکی از مسئولان آنجا هماهنگ کردم، در قضیه زلزله سرپل ذهاب برای بردن کانکس‌ها نیاز به ۱۰۰۰ دستگاه تریلی داشتیم، بنده با آن مقام وزارت نفت هماهنگ کردم ولی ایشان ۱۰۰ دستگاه تریلی به من داد، خب طبیعتاً ۹۰۰ دستگاه کم داشتیم و اگر هم می‌خواستیم اجاره کنیم هزینه‌ها زیاد می‌شد، در همین بین بنده با نماینده سرپل ذهاب صحبت کردم و ایشان هم الحمدالله تعامل خوبی با گروه‌های جهادی داشتند، همینطور به دلیل اعتمادی که به کار ما داشتند با آن مسئول وزارت نفت تماسی گرفتند و خواسته ما را گفتند و آن مقام درخواست را قبول کرد و ۹۰۰ دستگاه تریلی دیگر هم به ما داد. از آن تاریخ به بعد ما هر وقت نیاز به کامیون و تریلی داریم با آن مقام مسئول مکاتبه می‌کنیم و ایشان هم در اختیار ما می‌گذارد. خب اینجا اگر آن بحث

اعتمادسازی با نماینده سرپل ذهاب را از قبل نداشتیم این امر میسر نمی شد.

گاه‌ها برای بنده اتفاق افتاده که برای سازمان یا نهادی گزارش کار برده‌ام، آنها برای اینکه مطمئن شوند که کار را کامل انجام داده‌ام، یا با نماینده آن شهر تماس می‌گیرند و یا می‌گویند که بنده با فرماندار یا امام جمعه آن شهر تماس برقرار کنم، زمانی که این اتفاق می‌افتد به دلیل شناخت و اعتمادی که مسئولین آنجا از گروه ما دارند همه موارد را تایید می‌کنند.

نکته بعدی این است که بعضاً پیش آمده برای کار جهادی وارد شهری شدیم که مثلاً فرماندار از نظر سیاسی هم فکر گروه و عقاید ما نمی‌باشد. در این زمان ما بازهم قبل از کار به ملاقات آن مسئول رفتیم و حضورمان را به اطلاعشان رساندیم و حتی بعد از اتمام کار هم گزارش کاری به آن مسئول دادیم. به نظر من کار جهادی را نباید با سیاست درگیر کرد که اگر این اتفاق رخ دهد سرعت کار کاهش و گاهی متوقف می‌شود.

به نظر من کار جهادی را نباید با سیاست درگیر کرد که اگر این اتفاق رخ دهد سرعت کار کاهش و گاهی متوقف می‌شود.

مورد بعدی این است که گروهی که وارد منطقه ای می‌شود، صفر تا صد کاری که قبول کرده را باید کامل و مرتب انجام داده و تحویل دهد. حال این کار می‌تواند ترمیم یک خانه باشد و یا ساخت یک مدرسه. با تکمیل به موقع کار، ضمن احترام به نیازهای اهالی آن منطقه، یک کار خوب از فعالیت گروه‌های جهادی در آن منطقه و در بین اهالی به یادگار می‌گذارد.

گروهی که وارد منطقه ای می‌شود، صفر تا صد کاری که قبول کرده را باید کامل و مرتب انجام داده و تحویل دهد. حال این کار می‌تواند ترمیم یک خانه باشد و یا ساخت یک مدرسه. با تکمیل به موقع کار، ضمن احترام به نیازهای اهالی آن منطقه، یک کار خوب از فعالیت گروه‌های جهادی در آن منطقه و در بین اهالی به یادگار می‌گذارد.

مورد بعدی که گروه ما رعایت میکند این است که ما برای کمک گرفتن به هر جایی که مراجعه میکنیم پول نقد به هیچ عنوان نمیگیریم مگر اینکه در شرایط خیلی خاصی باشد

مورد بعدی که گروه ما رعایت میکند این است که ما برای کمک گرفتن به هر جایی که مراجعه می‌کنیم پول نقد به هیچ عنوان نمی‌گیریم مگر اینکه در شرایط خیلی خاصی باشد. نمونه‌اش در قضیه همین زلزله و گرفتن کانکس‌ها اتفاق افتاد، روزی آقای احمد پیش ما که شاید اگر از روی ظاهرش بخواهیم در موردش نظر دهیم خیلی اهل خدا و پیغمبر نبود، ولی یک چک به ما داد و گفت مثلاً این تعداد کانکس تهیه کنید، بنده برای اینکه آن پول را نقداً نگیرم این شخص را مستقیم به سازنده کانکس‌ها معرفی کردم و گفتم هر مقداری که می‌خواهید اینجا سفارش دهید و حساب کنید بعد ما می‌آییم تحویل می‌گیریم. وقتی این کار را انجام دادیم آن آقا خیلی خوشش آمد و اعتمادش به ما جلب شد و در سیل لرستان هم به ما بیشتر از آن مبلغ کمک کرد. یا مثلاً یک شرکتی به ما سبد مواد غذایی داد که در منطقه سیل‌زده پخش کنیم، بنده اقلام را گرفتم مثلاً ۱۰۰ سبد غذایی بود، سپس به هر خانواده‌ای که تحویل می‌دادیم امضا و شماره تماس گرفتیم و آن لیست امضاها را بعداً تحویل مسئول آن شرکت دادیم و گفتیم برای اطمینان و اعتمادسازی به هر کدام که صلاح دانستین تماس بگیرید و در مورد سبد غذایی سوال کنید که تحویلشان شده یا نه. شاید در آن روزهای اول تماس می‌گرفتند، ولی زمانی که اعتمادسازی بین ما رخ داد دیگر خیالشان راحت بود که اقلام حتماً به نیازمندان می‌رسد.

گروه‌های جهادی باید نسبت به مسئله شفافیت فعالیت‌هایشان حساس باشند و برای آن برنامه‌ریزی داشته باشند تا با جلب اعتماد مردم و مسئولین، فعالیت‌های خویش را تسهیل نمایند.

اگر همه گروه‌های جهادی این کارها و

شفافیت سازی ها را مخصوصا در مسائل مالی انجام دهند، مردم خیالشان راحت می شود که کمک هایی که می کنند حتما به دست نیازمندان می رسد.

نقش گروه‌های پزشکی در بحران

متن زیر حاصل گفتگوی ما با جناب آقای نجم‌آبادی مسئول قرارگاه جهادی رویش‌های انقلاب اسلامی است که جزو گروه‌های جهادی برتر کشور است. از ایشان خواستیم تا تجربیات خود در حادثه سیل و زلزله را با ما به اشتراک بگذارند.

لطفا گروهتان را معرفی کنید و یک شرحی از نحوه تشکیل و فعالیت‌هایتان را بیان فرمایید.

گروه قرارگاه جهادی رویش‌های انقلاب اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تهران که در سال ۱۳۹۰ تشکیل شد. بعد از جدا شدن دانشگاه علوم پزشکی تهران از دانشگاه تهران، ما سازمان بسیج جداگانه‌ای تشکیل دادیم. همینطور گروه ما در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ گروه جهادی برتر کشور شد.

گروه به دلیل بحث محرومیت زدایی‌های خوبی که در مناطق محروم داشتند، خدمت حضرت آقا رسیدند و مسئول گروه جناب آقای اسماعیلی گزارشی خدمت معظم‌له ارائه دادند. آن زمان ما در منطقه فاروج بودیم دهستان سنگر و تقریباً ۲۵ روستا را طی سه سال تحت پوشش قرار دادیم. اول فاروج بودیم سپس سال بعد رفتیم کهکیلویه و بویراحمد دوباره یکسال بعد برگشتیم فاروج آن زمان منطقه خاص نداشتیم ولی الان کار جهادی یکی از دهستانهای گنبد کاووس را انجام می‌دهیم. کار مستمر و گسترده‌ای انجام می‌شود.

از چه طریقی اطمینان حاصل کردید که در

منطقه حضور یا بید؟

وقتی حادثه رخ داد از طریق تعدادی از دوستان که ساکن پلدختر ولی دانشجوی دانشگاه تهران بودند و برای تعطیلات عید به خانه رفته بودند اطلاعات خواستیم و آنها هم وقتی شرایط را دیدند رفتند با بسیج سازندگی خرم آباد و پلدختر ارتباط گرفتند. بعد سه نفر دیگر به اتفاق مسئول حوزه رفتند بعد از آن در فضای مجازی فراخوان اعزام نیرو زدیم نزدیک به ۲۰ نفر جمع شدند چند نفر هم از بچه‌های لرستان بودند که آمدند، سپس سازمان مینی بوسی هماهنگ کرد و با آن رفتند.

بچه‌هایی که رفته بودند شناسایی، لیست اقلام مورد نیاز را گفته بودند بچه‌ها هم بادگیر، بیل، کلنگ، چکمه و فرغون خریدند. کمک‌های مردمی تهران هم جمع شد. مقداری از کمک‌ها را خوابگاه‌ها و مقداری هم دانشگاه جمع‌آوری کرد. استقبال خوبی شد حدود ۸ تا ۱۰ میلیون تومان جمع شد.

در ایام حادثه، یکی از مسائل کلیدی که بارها روی آن تاکید شده است موضوع شناسایی مناسب است. یکی دیگر از روش‌های انجام این امر مهم، شناسایی از طریق دانشجویان بومی منطقه که در آن زمان در منطقه حضور دارند و یا بسیج دانشجویی دانشگاه منطقه حادثه دیده است.

قبل از عزیمت به سوی محل حادثه، گروه باید لیستی از اقلامی که در منطقه به آن نیاز دارد را تهیه کند. این اقلام نیز تنها با شناسایی مناسب مشخص می‌شوند.

برای حرکت به سمت منطقه با چه کسی هماهنگ

کردید؟

با بسیج سازندگی سپاه استان لرستان هماهنگ کردیم که با خرم آباد هماهنگ کردند و ما را به آقای پرنیان در پلدختر وصل کردند و در روستای گلگل سفلی اسکان پیدا کردیم.

وسایلی که در منطقه نیاز داشتید را چگونه تهیه

و تامین کردید؟

نیازهای اولیه را از قبل برده بودیم تا در آنجا به مشکل نخوریم. بالاخره منطقه سیل زده و هماهنگی خیلی سخت بود. بحث درمانی هم داشتیم، یک پزشک و دو پرستار همراهمان بودند دارو هم برده بودیم. پزشک از بچه‌های خودمان ولی از دانشگاه فارغ التحصیل شده بود. در یک هفته که آنجا بودیم خدمات درمانی انجام دادیم. در منطقه هم بحث درمانی داشتیم و هم بحث عمران. این هم با مسئول سازندگی استان هماهنگ شد.

یک موردی که با آن برخورد می‌کنیم در این نوع حوادث، بحث موازی کاری است همان‌طور که شما خدمات پزشکی می‌دادید ممکن است گروه پزشکی دیگری هم از یک استان دیگر به آنجا بیاید در یک روستا دوبار خدمات صورت بگیرد چگونه هماهنگ می‌کردید تا این موازی کاری پیش نیاید؟

در شناسایی قبلی جایی رفتیم که مقداری خلوت‌تر باشد و کمتر کسی به آنجا بیاید. آن دو روستایی که تحت پوشش بچه‌های ما بود آنقدر نیاز به کار داشت که هرچه گروه جهادی می‌آمد باز اشباع نمی‌شد. مگر اینکه دیگر از نظر اسکان به مشکل می‌خوردیم که اعزام نیرو موقتاً قطع می‌شد. در این مورد، شناسایی قبل از انجام کار خیلی مهم است.

متأسفانه بحث پزشکی و گروه درمانی در منطقه کم بود، ما هم سعی کردیم مدیریت کنیم سپس با مرکز هماهنگی دانشگاه علوم پزشکی کشور

گروه‌هایی که خدمات خاص ارائه می‌نمایند، بع علت محدود بودن تعدادشان، باید مدیریت شده به ارائه خدمت بپردازند تا توزیع خدمت مناسب صورت بگیرد. این مهم نیاز به یک ستاد هماهنگی مرکزی دارد که در صورت امکان می‌تواند یکی از گروه‌های توانمند حاضر در منطقه باشد.

هماهنگ کردیم که هرچه گروه درمانی در منطقه هست با ما هماهنگ کنند تا ما بگوییم کجا بروند. بنده مسئول هماهنگی گروه‌های پزشکی بودم. می‌گفتم شما اینجا بروید یا شما اصلاً نیاز نیست که به لرستان بیاید به خوزستان بروید. من به عنوان هماهنگ کننده گروه‌ها سعی می‌کردم جوری برنامه‌ریزی و هماهنگی بکنم که چند گروه کنار هم یک کار را انجام ندهند.

با مسئول بسیج سازندگی لرستان هماهنگ بودیم. روزی به من گفت نیکوکاری مقداری دارو به ما داده اینها را تقسیم کن و بنده به گروه‌هایی که نیاز داشتند می‌دادم. کمک‌های مردمی را هم نگه‌داشته بودیم و کم‌کم پخش می‌کردیم دلیل ما هم این بود که اگر کمک‌ها را بیش از حد نیاز پخش کنیم کنترل از دست ما خارج می‌شود برای همین هر روز یک مقدار اندکی را پخش می‌کردیم.

اطلاعات لازم برای فعالیت در منطقه را چگونه بدست می‌آوردید؟

اطلاعات لازم را از افراد خودمان که برای شناسایی رفته بودند و همین‌طور اخبار را چه در لرستان چه در خوزستان از بسیج سازندگی می‌گرفتیم. یک نیرو هم داشتیم که با بسیج سازندگی در تعامل بود و اطلاعات موثق و لازم را به ما می‌داد.

در منطقه نیز باید به صورت مداوم به شناسایی و کسب اطلاعات پرداخت تا خدمات گروه بهتر ارائه گردد. جهت این امر، بهتر است یک یا چند نفر از افراد گروه، به صورت دائمی به رصد منطقه و ارتباط با سایر نهادها جهت شناسایی و هماهنگی گروه با ستادهای حاکمیتی بپردازند.

ملاحظات رفتاری با مردم حادثه دیده منطقه چیست؟

موردی که خیلی در منطقه حادثه دیده به آن برمی خوردیم، بحث ملاحظات رفتاری و برخورد با مردم حادثه دیده آن منطقه است. یک پیرمرد از اهالی همان جا بود، روزی گروهی بسته های بهداشتی زنانه را پخش می کردند، این آقا هم می خواست یک بسته بگیرد یکی از دوستان گفت حاج آقا این به درد شما نمی خورد یکم که صدا بالا رفت یک سیلی به گوش دوست ما زد. بچه ها صبرشان بالا بود که در این مواقع صبوری کردند و فضا را بیش از این متشنج نکردند. خب این یک نوع ملاحظه رفتاری با افراد حادثه دیده در منطقه است.

اخبار و رویدادهای منطقه را چگونه رسانه ای کردید؟

فعالیت هایی که داشتیم را رسانه ای کردیم از عکس ها و فیلم هایی که از آنجا می گرفتیم کلیپ درست کردیم ولی تجربه نگاری نکردیم.

ملاحظات امیدآفرینی در منطقه یا در رسانه چیست؟

در مقابل مردم آن منطقه از ناامیدی حرف نزنیم، حضور نیروهای جهادی خودش باعث دلگرمی و امید می شود. همینطور حضور نیروهای جهادی روحانی در منطقه بازخورد بسیار خوبی دارد.

زمان گروه را در منطقه چگونه مدیریت می کردید؟

مدیریت زمان به این صورت بود که صبح آفتاب که میزد بچه ها می رفتند سرکار تا زمانی که جان

داشته باشند. مدیریت زمانی نداشتیم حتی غذایشان را هم همان جا در حالی که گل و لایی بودند می خوردند خودشان اینطور می خواستند تا بتوانند بیشتر کار کنند.

در محل وقوع بلایای طبیعی بیشتر چه نوع نیروها و چه نوع امکاناتی نیاز است؟

در این مدل بلاها خیلی نیروی متخصص در روزهای اول حادثه نیاز نیست، چه در بحث عمرانی و چه بحث بهداشت و درمان. نیروی کف بیشتر نیاز است کسانی که بیابند مثلاً گل خالی کنند. در حادثه سیل، نخست باید گل ها را از خانه ها به کوچه می آوردیم تا از کوچه به خیابان ببرند و از خیابان با بولدزر جمع کنند، یا مثلاً در بحث درمان، نیروی متخصص خیلی نیاز نبود دو تا بیمارستان صحرایی یکی سپاه و یکی ارتش آنجا زده بودند که خیلی هم مجهز بودند هر که می آمد پوشش می دادند هلال احمر هم خوب بود.

اگر گروه شما کار خاصی یا فعالیت تخصصی را در منطقه انجام داده شرح دهید.

ما در حین فعالیت کار تخصصی هم انجام می دادیم مثلاً آن طرف رودخانه در یکی از روستاها یک خانم بارداری بود که وضعیت جسمی خوبی نداشت. یکی از مشکلات حاملگی برایش پیش آمده بود، بچه ها خیلی خوب مدیریت کردند پزشک خانم نداشتیم ولی یک مامای محلی آن جا بود. دکتر، مراقبت های دارویی را انجام داد، پرستارها

هم مراقبت‌ها را انجام دادند قابل‌به‌بچه را به دنیا آورد و الحمدلله هر دو سالم ماندند.

این یکی از خاطرات خوب‌مان بود. ولی از روی رودخانه با راپل رد شدن خیلی سخت است. یکی دوتا شکستگی هم داشتیم یا وسیله روی دست و پایشان افتاده بود شکسته‌بندی و آتل‌بندی هم داشتیم.

آیا بعد از اینکه برگشتید با مردم بومی منطقه ارتباط داشتید؟

با بچه‌های محلی که آنجا بودند ارتباط داشتیم و پیگیری می‌کردیم البته چون منطقه هدف ما آنجا نبود خیلی پیگیری نکردیم کار ما موقت بود، در زمان حادثه رفتیم آنجا یک سری کارهای خدماتی و پزشکی انجام دادیم و برگشتیم.

در پایان اگر نکته‌ای نظری داشتید یا حرفی که باقی‌مانده بفرمایید.

یکی از نکات مهمی که خیلی در این مواقع تأثیر دارد بحث هماهنگ بودن با نهادهای بالادستی است. مثلاً حوزه های بسیج دانشجویی که می‌خواهند گروه‌های ببرند باید حتماً با ناحیه بسیج دانشجویی هماهنگ باشند اول اجازه بگیرند ببینند آیا واقعاً آنجا نیاز هست یا نه. بزرگترین مشکلی که وجود داشت این بود که یک جمعیتی می‌آمدند ولی به دلیل نبودن امکانات مثل اسکان و غذا در منطقه سرگردان می‌شدند.

یکی از نکات مهمی که خیلی در این مواقع تأثیر دارد بحث هماهنگ بودن با نهادهای بالادستی است. مثلاً حوزه‌های بسیج دانشجویی که می‌خواهند گروه‌های ببرند باید حتماً با ناحیه بسیج دانشجویی هماهنگ باشند اول اجازه بگیرند ببینند آیا واقعاً آنجا نیاز هست یا نه. بزرگترین مشکلی که وجود داشت این بود که یک جمعیتی می‌آمدند ولی به دلیل نبودن امکانات مثل اسکان و غذا در منطقه سرگردان می‌شدند.

در بحث حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله بسته بهداشت و درمان همان لحظه خیلی جدی نیست. شاید نهایتاً همان یکی دو روز اول حادثه باشد اگر شکستگی یا غرق شدگی یا برق گرفتگی و این مسائل باشد اینها باید در بیمارستان صحرایی پیگیری شود. گروه جهادی درمانی نمی تواند کاری بکند. بحث بهداشت و درمان می رود برای یک ماه بعد که تب و تاب منطقه بخوابد و بحث های عفونی و بیماری شیوع پیدا کند چه بین حیوانات و انسان و چه بیماری های منتقل از آب.

در حوادث طبیعی معمولاً برای لوله کشی های آب مشکل ایجاد می شود یا لوله می شکنند یا برای منبع مشکل به وجود می آید یا آلودگی ایجاد می شود این ها بعد از سیل باید رسیدگی شود، که این ها هم باید شناسایی بشوند. ولی در خوزستان کمی بحث آب راکد مشکل بود، گندآب بود یک سری گروه ها آمدند آب را در تانکر ریختند و بردند جای دیگر تخلیه کردند یکسری ها هم آمدند گندزدایی کردند هزینه بالایی دارد ولی موثرتر است.

استمرار و هدف، شرط بقا

بنیاد جهادی مشکات از جمله گروه های جهادی است که سال ها به طور هدفمند و مستمر فعالیت های مهمی در مناطق محروم دارند. و از جمله در حوادث سیل و زلزله نقش آفرینی های موثری داشته اند. از آقای یخچالی مسئول این بنیاد درخواست کردیم تا تجربیات خود را در این حوزه در اختیار سایرین قرار دهند.

لطفا در ابتدا گروهتان را معرفی کنید و یک شرحی از نحوه تشکیل و فعالیت هایتان را بیان بفرمایید.

ما یک گروه جهادی داریم بنام بنیاد جهادی مشکات که تقریباً از سال ۱۳۸۶ به کمک دوستان ما در مناطق محروم کشور فعالیت دارند، الان هم در استان چهارمحال بختیاری سمت کوهزنگ که آنجا تقریباً ۱۰ ساله که مستقر هستیم، فعالیت و کار اصلی ما آنجاست. یک سری طرح داریم مثل طرح شهید ثامن که بورسیه تحصیلی دانش آموزان می باشد.

ما ۱۵۰ دانش آموز را در ۸ استان کشور و به مدت ۱۰ سال بورسیه کردیم که اینها تحت راهنمایی ۵۰ مشاور که در گروه فعالیت دارند هستند. هدف ما این است که دانش آموزان برگردند و در منطقه خودشان مشغول به تحصیل شوند. فعالیت های دیگری هم انجام می دهیم مثلاً در بحث اقتصادی، بحث اشتغال و خودکفایی و غیره

یکی از مشکلاتی که از اوایل دهه ۵۰ شمسی گریبانگیر کشور شده است، تمرکزگرایی و تمایل به زندگی در شهرهای بزرگ از جانب ساکنین شهرهای کوچک و روستاها بوده است که تبعات جبران ناپذیری داشته.

خوب است گروه های جهادی که در مناطق محروم حضور پیدا می کنند، به این نکته نیز توجه نمایند.

که به نتایج خوبی رسیدیم.

دفتر مرکزی ما در خیابان آزادی نبش یادگار امام می‌باشد و یک دفتر هم در کرج داریم. بنیاد جهادی مشکلات تعدادی گروه جهادی زیر مجموعه خود دارد. در بحث مالی هم بودجه خاصی برای ما تعریف نشده و کاملاً خودجوش و مردمی هستیم.

به نظر من یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در بحث حضور گروه‌های مردمی بالاخص گروه‌های جهادی داریم این است که مدیریت اینها مدیریت درستی نیست.

ما در ایام سیل می‌دیدم که هر گروهی برای خودش می‌رفت در منطقه و هیچ متولی مشخصی در سطح کلان نداریم که این گروه‌ها را مدیریت کند. در حادثه زلزله کرمانشاه هم همین اتفاق افتاد که هرکس با وسیله شخصی خود می‌رفت سمت منطقه و اینکار باعث شده بود ترافیک و راهبندان سنگینی در جاده‌های منطقه حادثه دیده ایجاد کند. به نظرم مهم‌ترین بحثی که لازمه هرگروه جهادی به آن توجه داشته باشد بحث مدیریت است، یعنی اگر هر گروهی برای خودش حداقل برنامه ریزی و مدیریت اولیه را داشته باشد کارها در منطقه خیلی جلوتر پیش می‌رود

اولین چیزی که در مدیریت مطرح می‌شود بحث وحدت فرماندهی و تقسیم کار است. در ایام زلزله پارسال و سیل امسال قریب به بیست دستگاه در محل حادثه کار می‌کردند ولی وحدت کار بینشان وجود نداشت.

متصل بودن گروه‌های جهادی به بدنه مردمی به خصوص از طریق مساجد برکات زیادی خواهد داشت. مانند زمان حوادث که این بدنه مردمی در تسهیل عملیات جهادی گروه‌ها بسیار موثر هستند. ضمناً یکی از راه‌های مناسب جمع‌آوری کمک‌های مردمی، حضور بین مردم در زمان‌های مناسب همانند زمان هیئات و راهپیمایی‌هاست.

در مناطق روستایی وقتی حادثه رخ می‌دهد به این دلیل که شغل اکثریت اهالی دامپروری است، در حین رسیدگی‌های اولیه به افراد و مصدومان باید سراغ دام‌های آنها نیز رفت و به آنها رسیدگی کرد. این رسیدگی شامل خدماتی چون تامین محل مناسب جهت نگهداری دام، تامین علوفه دام و ارائه خدمات دامپزشکی است.

متأسفانه تاکنون در حوادث رخ داده، در منطقه حادثه دیده یک ستاد مرکزی جهت رصد و مدیریت نیروی انسانی وجود نداشته است. این ضعف دو نکته را گوشزد می‌نماید، اول اینکه تا حد امکان جهت منطقه حضور گروه خویش نقش ستاد رصد را بازی کنیم و دایره این منطقه را افزایش دهیم. دوم هم اینکه با توجه به این نقطه ضعف، سعی کنیم به موثرترین اخبار دسترسی داشته باشیم.

یک نکته دیگر که خیلی در حوادث مهم است نقش مساجد می‌باشد، متأسفانه در زمان حال خیلی از گروه‌ها از مساجد فاصله گرفتند و حتی جدا شدند که این خود یک مشکل است. مسجد به دلیل داشتن آن بدنه مردمی و همین‌طور مقبولیتی که در بین مردم دارد می‌تواند یکی از پایگاه‌های مهم در زمان وقوع حادثه باشد. گروه ما یک پایگاه در مسجد محلمان دارد و در زمان وقوع سیل در شب‌های قدر نزدیک به ده میلیون تومان کمک نقدی جمع‌آوری کردیم.

یک مورد دیگر که ما بهش برخوردیم، بحث تامین نکردن علوفه دام‌ها بود. خب حادثه رخ داده و اهالی به مناطق امن رفته و اسکان پیدا کرده‌اند، خب اکثریت شغل افراد اون منطقه دامداری بود و همه نگران دام‌هایشان بودند، چون کار و درآمد آنها به این حیوانات بستگی داشت، در اینجا وزارت جهاد کشاورزی می‌توانست با یک برنامه‌ریزی علوفه دام‌های این مناطق را تامین می‌کرد.

یک دیگر از مشکلات، بحث کمبود اطلاعات و ضعف اطلاع‌رسانی است، مثلاً در منطقه می‌دیدیم که می‌گفتند فلان منطقه کمبود نیرو و امکانات دارد، بعد از مدتی خبر می‌آمد که اصلاً به چنین چیزی نیاز ندارند. اگر در چنین حوادثی یک رصدخانه و اتاق کنترلی ایجاد شود که همه گروه‌ها اطلاعات و اخبار را از آنجا بگیرند همچنین مشکلاتی دیگر پیش نمی‌آید.

این چندتا نکته مهمی بود که خدمتتان عرض

کردم ان شاءالله برای دیگر گروه‌های جهادی هم کاربرد داشته باشد.

از چه طریقی اطمینان حاصل کردید که باید در منطقه حضور داشته باشید؟

خب ما قبل از رفتن در منطقه حادثه دیده با سپاه شهر مبدا و همین طور با سپاه مقصد هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهیم. من به نظرم در بحث فراخوان نیرو و مشارکت، دوستان می‌توانند در هرجایی که مشغول به کار هستند از ظرفیت انسانی آنجا استفاده کنند و با فراخوان در آن جا از افراد آنجا استفاده کنند. خب اینکه ما خودمان ایام سیل که نیرو نبردیم ولی خب بعدش دوتا گروه بردیم در منطقه برای ساخت خانه‌ها و نیروها را هم شخصی اتوبوس گرفتیم و بردیم.

جهت فراخوان نیروی انسانی نباید صرفاً به فضای مجازی اکتفا نمود و باید به ظرفیت‌های دیگری مثل همکاران، آشنایان و بستگان نیز توجه نمود.

از چه روش‌هایی برای فراخوان نیرو و مشارکت افراد استفاده کردید؟

در بحث فراخوان نیرو ما از پتانسیل بچه‌های گروه استفاده کردیم، به این صورت که هر فردی در هرجایی که مشغول به کار است اعلام بکند تا دوستانی که علاقمند به فعالیت‌های جهادی هستند را به ما معرفی کند، همین طور در شبکه‌های مجازی هم تبلیغات خودمان را داشتیم.

چگونه مواردی که در محل حادثه به آن نیاز دارید، تعیین و تامین کردید؟

ما در حادثه سیل بعد از وقوع حادثه به منطقه برای

بحث بازسازی رفتیم. ما آن مواردی که نیاز داشتیم را سعی کردیم از قبل تهیه کنیم تا در منطقه دچار مشکل نشویم.

قبل از اعزام به محل حادثه کار خاصی انجام داده‌اید؟

ما مهم‌ترین تأکیدی که داریم در بحث شناسایی هست، چون شهید باقری می‌گویند هرچقدر شما شناسایی بکنید آمار تلفات کم می‌شود. یعنی باید سعی بکنیم تا آنجایی که میشه خوب شناسایی کنیم ببینیم که اصلاً نیاز هست که بریم یا نه؟

خیر. ما مهم‌ترین تأکیدی که داریم در بحث شناسایی هست، چون شهید باقری می‌گویند هرچقدر شما شناسایی بکنید آمار تلفات کم می‌شود. یعنی باید سعی بکنیم تا آنجایی که می‌شود خوب شناسایی کنیم ببینیم که اصلاً نیاز هست که بریم یا نه؟

بعد از حضور در منطقه چگونه با ستاد هماهنگ شدید؟ اولویت عرصه کاری گروه را چگونه تشخیص دادید؟

ما برای بازسازی با سپاه استان کامل هماهنگ شدیم یعنی از طریق تقسیم‌بندی که شد، سوسنگرد و روستاهای اطرافش را به سپاه تهران دادند و ما هم چون جزوه سپاه تهران بودیم، آمدیم یکی از همان خانه‌هایی که تحویل سپاه بود تحویل گرفتیم و شروع کردیم به بازسازی. یعنی ما به صورت دائم با سپاه تعامل داشتیم، ولی در حین حادثه سیل تقریباً می‌شود گفت که با کمیته امداد در تعامل بودیم چون کمیته امداد خودش در هر استانی دفتر دارد و ما با آنها ارتباط گرفتیم و اگر هم کمکی می‌آمد از طریق آنها پخش می‌کردیم.

چگونه در محل حادثه عمل کردید که با دیگر گروه‌های حاضر در منطقه موازی کاری رخ ندهد؟

قبل از اینکه بخواهیم کاری در منطقه بکنیم یک شناسایی دقیق انجام می‌دادیم که اگر گروهی در آن منطقه کاری دارد انجام می‌دهد ما ورود نکنیم و یا اینکه اگر مثلاً جنسی در منطقه زیاد است ما دیگر آن جنس را پخش نکنیم.

بعد کمک‌های مردمی را چگونه در محل حادثه توزیع کردید؟

ما کمک‌های غیرنقدی را تحویل سپاه ناحیه سوسنگرد دادیم چون آنجا انبار داشت و آنها طبق زمان‌بندی که داشتند پخش می‌کردند. کمک‌های مالی را هم شماره حساب اعلام کردیم و وقتی که کمک‌ها جمع شد برای بحث بازسازی خرج کردیم.

اقدام سرخود به توزیع کمک‌های مردمی یقیناً امری اشتباه خواهد بود که بازدهی بسیار کمی در پی خواهد داشت و احتمال توزیع ناعادلانه نیز در این روش بسیار بالا خواهد بود. بهترین روش تحویل کمک‌های مردمی به ستادهای بالادستی مثل سپاه منطقه خواهد بود.

با دیگر گروه‌های جهادی(هم جبهه‌ای و غیرمذهبی‌ها) چگونه تعامل کردید؟

کار و ارتباطی نداشتیم، ما دیدیم که دارند فعالیت می‌کنند و تعامل هم در حد یک صحبت بود. البته ما برای پارسال خاطرم هست برای زلزله کرمانشاه که رفتیم ما اجناسی را که برده بودیم، در شهر اسلام‌آباد غرب که جایی بیرون از منطقه حادثه بود انبار کردیم. بعد این‌ها را می‌خواستیم توزیع کنیم و رفتیم به همین گروه آفرود بازها گفتیم که با کمک هم پخش کنیم ولی قبول نکردند و مایل به تعامل نبودند.

بعد اطلاعات لازم برای فعالیت در منطقه را چگونه جمع آوری کردید؟

در باب جمع آوری اطلاعات میتوانیم از افراد بومی آن منطقه استفاده کنیم، چون به آن منطقه و شرایط آنجا آشنایی کامل دارند. همچنین گروه‌های جهادی که قبل از گروه شما در آن منطقه حضور پیدا کرده‌اند.

ما در آنجا از دفاتر کمیته امداد و همکارانی که شناخت خوبی به منطقه داشتند اطلاعات کسب کردیم و یکسری اطلاعات هم از گروه‌های جهادی و افراد بومی منطقه جمع کردیم.

ملاحظات رفتاری با مردم حادثه دیده چیست؟

همانند همه اردوهای جهادی، باید متناسب با فرهنگ مردم برنامه‌ریزی و اقدام نمود. اما در اردوهای جهادی چون فرصت کافی وجود دارد، می‌توان قبل از حضور در منطقه از ملاحظات فرهنگی مردم منطقه آگاه شد. ولی در زمان حادثه فرصت نداریم تا قبل از حضور در محل حادثه به بررسی وضعیت فرهنگی مردم حادثه‌دیده بپردازیم و این باعث می‌شود تا در منطقه حادثه با دقت بیشتری قدم برداریم.

ضمناً باید یک نکته دیگر را نیز موردنظر قرار داد و آن هم اینکه در موقع حادثه ما در یک منطقه محروم حضور پیدا نمی‌کنیم، بلکه در کنار مردمی هستیم که شاید از نظر امکانات زندگی هیچ مشکلی نداشته باشند، اما به خاطر حادثه به مشکل خورده‌اند. قطعاً برخورد در این منطقه در مقایسه با منطقه محروم متفاوت خواهد بود.

رفتار با مردم هر منطقه‌ای مناسب با شرایط خودش است. مثلاً عرب‌ها یکسری ویژگی‌های خاصی دارند که ممکن است لرها مثلاً نداشته باشند، مثلاً ترکمن‌ها یک ویژگی دیگری داشته باشند. همه این‌ها را باید رفت شناخت و ملاحظات را هم باید بررسی کنیم مثلاً عرب‌ها روی بحث حضور خانم‌ها در محافل عمومی خیلی حساس هستند، مثلاً ما در همان اردوی خودمان در مسجد قصد داشتیم دعای عرفه برگزار کنیم و برای خانم‌ها برنامه داشته باشیم ولی مشورت که کردیم گفتند فرهنگ اینجا اینطوری است که خانم‌ها در مسجد نمی‌توانند حضور داشته باشند، این یک ملاحظه رفتاری است که نباید به فرهنگ آنها وارد شویم.

اخبار منطقه رو چگونه رسانه‌ای کردید؟ کار رسانه‌ای انجام دادید؟

ما در ایام سیل که خیلی کار رسانه‌ای نداشتیم ولی بعد از آن در اردوهای جهادی خودمان دو مستند تهیه شد که یکی را شبکه دو پخش کرد و دیگری هم در حال تکمیل است.

ملاحظات امیدآفرینی در منطقه یا در رسانه

چیست؟

خب در این مواقع که بحران رخ می‌دهد هم شایعات زیاد می‌شود و هم توقعات مردم بالا می‌رود که متأسفانه خیلی‌ها را هم نیروهای خودمان بالا می‌برند. به دلیل اینکه صفر تا صد کار را از نیروی جهادی و گروه‌های جهادی توقع دارند، در صورتی که صفر تا صد کار دست دولت است.

گروه جهادی در حد توانش کمک می‌کند ولی متأسفانه بعضی از مردم خیلی طلبکارانه با نیروها برخورد می‌کنند. همان حضور گروه‌های جهادی در منطقه باعث ایجاد امید می‌شود. مثلاً در سیل خوزستان گروهی از لرها بختیاری برای کمک آمده بودند که برای عرب‌ها جای تعجب داشت، که می‌گفتند اگر غیر از منطقه خودمان جایی دیگر سیل بیاید ما عمراً برای کمک برویم و این حضور باعث از بین رفتن این تفکر شد و ایجاد اتحاد و امیدآفرینی کرد. در حوادثی مثل زلزله که فوتی و مصیبت زیاد است حضور تیم‌های مشاوره و ارائه برنامه‌های فرهنگی و غیره خیلی مهم است.

در ایام حادثه و حضور در مناطق حادثه دیده، دو نکته را باید مدنظر قرار داد، اول اینکه مردم منطقه حادثه دیده هستند و شاید برخورد مناسبی با جهادگران نداشته باشند، این موضوع حلم و آستانه تحمل جهادگران را می‌طلبد.

دوم اینکه تا حد ممکن باید در منطقه ایجاد همبستگی بین قوم‌های مختلف را مشهود کرد تا اهالی منطقه لمس کنند همه کشور به کمک آنها رفته‌اند.

زمان گروه را در منطقه چگونه مدیریت می‌کردید؟

خب نیروی غیربومی که در منطقه حاضر می‌شود بیشتر از یک هفته تا ده روز نمی‌تواند در منطقه حضور داشته باشد به دلیل شرایط اقلیمی و یا آب و هوایی منطقه که این باعث می‌شود بازدهی افراد کم شود. ما سعی می‌کردیم که نیروها را بعد از

مدتی حضور در منطقه جایگزین هم کنیم که به هیچ فردی فشار وارد نشود، در ثانی به دلیل گرمای زیاد منطقه صبح زود کار را شروع می کردیم و ظهر برای نماز و نهار کار را متوقف می کردیم و باز در بعدازظهر به ادامه کار می پرداختیم.

در محل وقوع بلایای طبیعی بیشتر چه نوع نیروها و چه نوع امکاناتی نیاز است؟

یکی بحث حضور نیروهای متخصص پزشک و تیم های درمانی هست که در منطقه خصوصا اگر زلزله رخ بدهد خیلی مهم است و بعدی حضور نیروی متخصص و فنی و مهم تر از همه حضور فرد مدیر است، کسی که بتواند مدیریت و برنامه ریزی کند.

اگر گروه شما فعالیت خاص یا تخصصی در منطقه انجام داده شرح دهید.

فعالیت خاصی که انجام ندادیم، ولی سعی کردیم کارها و فعالیت های خودمان را اندازه وسعمان که هست بطور مرتب انجام دهیم.

بعد از بازگشت از منطقه چگونه اقدامات گروه را پیگیری کردید؟

بله پیگیری داشتیم. ببینید مثلا ما در استان چهارمحال ختیار حدود ده سال است که در روستاها و مناطق آنجا رفت و آمد داریم و تا حدود زیادی هم اهالی ما را می شناسند و هم ما اهالی را می شناسیم، ولی خب در منطقه ای که حادثه دیده

و ما موقتا برای مدت کوتاهی به آن منطقه می‌رویم یک مقدار این پیگیری کارها سخت‌تر می‌شود، ولی اگر گروهی کاری را قبول کند باید صفر تا صد آن را در نظر بگیرد و آن را تمام کند و تحویل اهالی آن شهر یا روستا دهند.

ما در باب پیگیری کردن کارهایی که بعد از بازگشت انجام دادیم، بحث ارتباط با نخبگان بومی را مطرح کردیم. ما سعی کردیم با مدیران و معلمان و دهیاران و غیره آن منطقه ارتباط داشته باشیم و پیگیر کارهایی که انجام دادیم باشیم.

یکی از کارهایی که می‌توان بعد از بازگشت از منطقه انجام داد، ارتباط با نخبگان و تحصیلکرده‌های بومی آنجا است. این افراد به دلیل جایگاهی که در روستا دارند می‌توان از پتانسیل‌شان استفاده کرد.

آیا از فعالیت‌های گروه‌تان تجربه‌نکاری کردید؟

هنوز که تمام نشده ولی بله مواردی را نوشتیم.

ممنون از وقتی که برای ما گذاشتید اگر در آخر نکته و یا صحبتی مانده بیان بفرمایید.

یک سری کارهای تخصصی است که قبل از حادثه باید انجام بشود مثل لایروبی، حفظ محیط‌زیست و تخریب نکردن درختان منطقه و غیره که اکثرا وظیفه دولت است که ان شاء الله انجام شود. امری نیست ممنون از شما

عاطفه در بحران!

«در حوادثی مانند زلزله و سیل، عمده نگاه ها معطوف به آسیب های عمرانی و زیرساختی و اقتصادی است و کمتر به آسیب های عاطفی و روانی این حوادث پرداخته می شود. و معمولاً برنامه ای از سوی دولت و ارگان های مختلف در این باره وجود ندارد. کودکان از جمله کسانی هستند که در این مواقع دچار بحران های عاطفی و روانی می شوند. چه بسا آثار اقتصادی این بحران ها بعد از چند سال از بین برود ولی آثار آسیب های عاطفی و روانی ماندگار باشد.

موسسه فرهنگی هنری راشدون با توجه به این نکته، فعالیت هایی را در این راستا ترتیب داده اند. متن زیر حاصل گفتگوی ما با حجت الاسلام ارشادمش مسئول این مجموعه است.

در آغاز بحث از ایشان خواهم شنیدیم گروه را معرفی کنند و یک شرحی از نحوه تشکیل و فعالیت هایشان را بیان بفرمایند.

محمد حسن ارشادمش هشتم متولد ۱۳۷۰ مسئول گروه موسسه فرهنگی هنری راشدون. بخش عمده ای از کار ما با کودک و نوجوانان است. ما سعی می کنیم در غالب بازی و مسابقه که القای مفاهیم دینی برای بچه ها دارد فعالیت کنیم. کارهای دیگری هم انجام می دهیم مانند همایش های ملی و مذهبی مثل مراسم سیزده آبان که روبروی خیابان لانه جاسوسی حدود بیست غرفه داشتیم.

در بحث بلاهای طبیعی وقتی زلزله سرپل ذهاب اتفاق افتاد ما در رسانه می دیدیم که چه مشکلاتی هست و توان خودمان و نیاز آنجا چیست سپس مجهز شدیم و رفتیم. از گروه های قدیمی تر مثل گروه میقات ظهور که حاج تقی وکیل پور متولی اش است و آشنایی با آنها داشتیم هم اطلاعات کسب کردیم تا ببینیم آنجا به چه چیزهایی نیاز دارند. کاری که می خواستیم انجام دهیم نمایش عروسی بود. ما از منطقه آمار گرفتیم که اگر مثلاً به منطقه بیاییم شرایطش هست که نمایش داشته باشیم؟ که مسئولین پاسخ مثبت دادند و گفتند که برای عوض شدن روحیه کودکان و بچه های منطقه و حتی بزرگترها به منطقه بیایید.

گروه هایی که امکانش را دارند، باید به روحیه مردم حادثه دیده توجه نموده و تا حد ممکن، با اجرای روش های متنوع به تسکین دردهای روحی مردم بپردازند

در حوادثی نظیر زلزله، گروه های عمرانی و آواربرداری و تخصصی همان ساعات اولیه حادثه باید در منطقه حضور داشته باشند، ولی گروه ما نیاز نیست که از همان ساعات اول در آنجا حضور داشته باشیم حدود دوسه روز بعد وارد منطقه می شویم.

گروه های فرهنگی و هنری که قصد حضور در مناطق حادثه را دارند، لازم نیست که همان دقایق اول در محل حادثه حاضر باشند، بلکه به یک زمان چند روزه نیاز هست تا منطقه آمادگی حضور آنان را پیدا نماید.

از چه روش هایی برای فراخوان نیرو و مشارکت افراد استفاده کردید؟

ما یک گروه پنجاه نفره هستیم که به بچه ها پیامک زدیم که به مدت یک هفته می خواهیم برویم هر که می خواهد بیاید اطلاع دهد. در منطقه زلزله زده اول باید جويا می شدیم که شرایط اسکان برای خواهران وجود دارد یا خیر. هفته اول مجردی رفتیم سپس هفته دوم زن و بچه های خودمان را هم بردیم تا مردم ببینند که ما با خانواده آمديم تا قوت

قلبی برایشان باشد.

در صورت مهیا بودن شرایط و امکانات، همراه بردن خانواده می تواند بازخورد خوبی در منطقه و در بین اهالی داشته باشد.

خانواده خودمان هم آن فضا را درک نکنند و با درد و مصیبت مردم آشنا شوند و آن را از نزدیک لمس کنند تا بتوانند بیشتر فعالیت داشته باشند. بحث خودسازی هم در اینجا برای خانواده‌ها مطرح است. سپس با وسیله شخصی به منطقه اعزام شدیم، اتوبوس و ماشین از سپاه و یا جهاد نگرفتیم خودمان خودجوش رفتیم و به بچه‌های سپاه و جهاد اضافه شدیم.

کمک‌های مردمی را چگونه جمع آوری کردید؟

در فضای مجازی اطلاع‌رسانی کردیم. مردم عضو کانال ما هستند و می‌بینند، سپس از طریق خانواده‌های بچه‌ها هم اطلاع‌رسانی کردیم و کمک‌های نقدی، اسباب‌بازی که جزوه ملزومات کار ما بود را می‌آوردند سپس در مسجد محل که کانون فعالیت ما بود تحویل می‌دادند.

یکی از روش‌های جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی، اطلاع‌رسانی به خانواده و اقوام اعضای گروه است، چراکه وجود اعتماد اولیه جهت انجام این امر بسیار تسهیل‌کننده است.

چگونه مواردی را که در محل حادثه به آن نیاز داشتید را تهیه و تامین کردید؟

در حقیقت ما خیلی موارد خاصی نیاز نداشتیم. برنامه‌مان را سبک هماهنگ کرده بودیم و سعی می‌کردیم بخاطر میکروفن و سیستم صوت و باند و غیره لنگ نمانیم و محتاج گروه‌های دیگر نباشیم. لوازمی که نیاز داشتیم را از قبل مهیا و با خودمان بردیم.

بعد از حضور در منطقه چگونه با ستاد هماهنگ

شدید؟

با مسئولین مربوطه هماهنگی‌های لازم را انجام دادیم و گفتیم هر جا که شما بگویید ما می‌رویم اجرا را انجام می‌دهیم. در روز گاهی کارمان به سه اجرا هم می‌رسید. ما از لحاظ وسایل همه چی را داشتیم و فقط می‌گفتیم که شما به ما برق برسانید ما در مساجد مدارس نمایش را اجرا می‌کنیم. همان روز اول که زنگ می‌زدیم آدرس آنها را می‌گرفتیم و خودمان را به آنها می‌رساندیم. خاطرم هست در ایام ولادت رسول اکرم (ص) در همان سرپل ذهاب به منطقه‌ای رفتیم که اهل سنت و علی‌اللهی بوده و در حال عزاداری برای عزیزانشان بودند، ما برای اجرا رفته بودیم وقتی این صحنه را دیدم روحیه خودم را باختم گفتم ما برای جشن آمدیم و این همه امکانات را تا اینجا آوردیم ولی نمی‌توانیم اجرا کنیم، بعد یکی از بچه‌ها را صدا زدم تا برود با بزرگ آن جمع صحبت کند، وقتی برگشت گفت که اجازه‌اش را گرفتم و آنها هم استقبال کرده‌اند، سپس ما یک برنامه نمایش عروسکی خنده‌دار به مناسبت هفته ربيع اجرا کردیم. مردم از خنده قهقهه می‌زدند. الحمدلله برنامه گرفت و یکی از برنامه‌های به یاد ماندنی شد.

آیا در منطقه گروهی بودند که مشابه کار شما را انجام بدهند و موازی کاری شود؟

خیلی کم. ما هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دادیم سپس می‌رفتیم. چون از طیف کاره ما گروه‌های کمی هستند، گاهی اگر در یک منطقه در روز سه اجرا هم برگزار می‌شد باز هم جای کار داشت. به

طور متوسط صبح یک اجرا داشتیم و بعداز ظهر هم یک اجرا. روزهایی هم بود که سه یا چهار اجرا داشتیم.

با دیگر گروه‌های جهادی غیرمذهبی برخورد داشتید؟

گروهی که هم صنف خودمان باشد ندیدم. کانون پرورشی و فکری نوجوانان در منطقه حضور داشت که خودش یک سازمان است و همه جور آدم هم داخلش هستند.

ملاحظات رفتاری با مردم حادثه دیده چگونه است؟

خب ملاحظات رفتاری با مردم خیلی مهم است. مثلاً در برخورد با مردم مصیبت دیده آنها را دعوت به آرامش و صبر می‌کردیم و می‌گفتیم به خدا توکل کنند. یک جای دیگر می‌گفتیم مصیبت بدی است ولی باید به خدا توکل کرد. جای دیگر هم یک روستای اهل سنت بودند، ما می‌خواستیم شعار بدهیم تا بچه‌ها پرانرژی بشوند، مثلاً می‌گفتیم هرکس می‌خواهد در مسابقه شرکت کند یا علی بگوید ولی آنجا دیگر به خاطره احترام به عقایدشان یا علی نمی‌گفتیم می‌گفتیم بگویند یاالله. آنها هم خیلی به ما احترام می‌گذاشتند تعامل دوطرفه بود.

حضور در مناطق مختلف با فرهنگ‌های مختلف، ملاحظات رفتاری خاص خود را می‌طلبد. به خصوص در برخورد با سایر مذاهب باید روی موارد وحدت‌زا تمرکز کرد و از مسائلی که وحدت را مورد خدشه قرار می‌دهد دوری نمود.

اخبار رویداد منطقه را رسانه‌ای کردید؟

ما سعی می‌کردیم برنامه‌هایمان را پوشش رسانه‌ای بدهیم.

ملاحظات امیدآفرینی در منطقه یا در رسانه

چیست؟

آنها فقط نگران این بودند که آنها را بگذاریم و برویم. خیلی ها همان اول می روند، خب یک جو مثبت ایجاد شده که همه در آن شرکت می کنند. بعضی ها باید صبر کنند دوسه هفته بعد بروند. اگر همان اول منطقه خالی بود بروند اما اگر نیرو به اندازه کافی بود بمانند و دیرتر بروند. خودمان هم معمولا سعی می کردیم یک هفته ای برویم تا به خانواده و شغل بچه ها خدشه وارد نشود.

در محل وقوع بلایای طبیعی بیشتر چه نیرو و

امکاناتی مورد نیاز است؟

به نظرم مهم ترین کار این است که بپرسیم در سیل و زلزله قبلی چه کسانی خوب مدیریت کرده اند. آنها را پیدا کنیم و از مدیریت و تجربه بالایی که دارند استفاده کنیم.

به نظرم مهم ترین کار این است که بپرسیم در سیل و زلزله قبلی چه کسانی خوب مدیریت کرده اند. آنها را پیدا کنیم و از مدیریت و تجربه بالایی که دارند استفاده کنیم.

اگر گروه شما کار خاص و فعالیت تخصصی انجام

می دهد شرح دهید.

بچه های مناطق زلزله زده که ما برای برنامه می رفتیم واقعا روحیه شان را از دست داده بودند. حتی بزرگترها هم از نظر روحی آسیب دیده بودند. بچه ها ظرفیتشان کم است وقتی می بینند پدرانشان غصه می خورند و گریه می کنند از درون اذیت می شوند. ما باید کاری می کردیم که روحیه خود را به دست بیاورند.

به بعضی از مناطق که می‌رفتیم بچه‌ها تا ما را می‌دیدند ذوق می‌کردند و ما هم برنامه عروסקی را اجرا می‌کردیم. در بعضی جاهای دیگر برنامه‌ای شبیه جنگ شبانه برگزار می‌کردیم، سعی می‌کردیم با کارها و حرف‌هایی که می‌زدیم شور و نشاط را به خانواده‌هایی که مصیبت دیده بودند منتقل می‌کردیم.

دوستان روحانی هم که همراه ما بودند در کنار برگزاری مراسم‌ها و جشن‌ها به صورت فردی به مردم آن منطقه مشاوره می‌دادند.



[کالک] دفتر ثبت مجاهدت‌های شاهدانی‌بی‌نشان

k a l k . i r



@ k a l k _ i r

